

نقش منطقه‌گرایی اقتصادی در ارتقاء اصول و مبانی تجارت جهانی: ارزیابی عملکرد اتحادیه اروپا و موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی

سیده لطیفه حسینی*



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره دوم، شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

چکیده

منطقه‌گرایی اقتصادی در قالب موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای از اوایل سال ۱۹۹۰ رشد فزاینده‌ای داشته است. این موافقتنامه‌ها دارای منافع متعددی برای اعضای خود از جمله اعتبار، قدرت چانه‌زنی، تضمین و ایجاد هماهنگی می‌باشند. این موافقتنامه‌ها که در قالب اتحادیه‌های گمرکی، مناطق تجارت آزاد و موافقتنامه‌های ترجیحی غیر متقابل نمود می‌یابند از نظر قلمرو موضوعی نظیر کار و جابه‌جایی سرمایه، سرمایه‌گذاری، تجارت کالا و خدمات متفاوت می‌باشند.

این مقاله درصدد بررسی منافع و هزینه‌های منطقه‌گرایی اقتصادی برای نظم تجاری جهانی می‌باشد که این امر با شیوه تبیینی با مطالعه و تدقیق در حقوق بین‌الملل موضوعه از جمله اسناد بین‌المللی ذی‌ربط و از طریق بررسی نتایج و دستاورد موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی و موافقتنامه‌های اروپا به ویژه اتحادیه اروپا و همچنین ارزیابی عملکرد ترتیبات منطقه‌ای مورد اشاره در حوزه اقتصادی انجام خواهد گرفت. ضمن بررسی اصطکاک و تلاقی نظم تجاری منطقه‌ای و نظم تجاری جهانی و بیان آثار منفی گسترش منطقه‌گرایی اقتصادی مشخص خواهد شد که منطقه‌گرایی اقتصادی می‌تواند سبب ارتقای امنیت اقتصاد جهانی شود.

واژه‌های کلیدی: منطقه‌گرایی اقتصادی، بلوک تجاری اروپا، بلوک تجاری امریکای شمالی، نظم تجاری جهانی، منافع، هزینه‌ها.

۱. دکتری حقوق بین‌الملل و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج و واحد شهر قدس

* نویسنده مسؤل: Latifehhosseini@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۵

فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۹۸-۱۶۳

مقدمه

ارتقاء پیشرفت اجتماعی و اقتصادی تمام ملل از جمله اهداف سازمان ملل متحد است و حصول همکاری بین‌المللی در جهت حل مشکلات بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی می‌باشند، به‌عنوان یکی از اهداف اصلی سازمان ملل در نظر گرفته شده است. ایجاد شرایط ثبات و رفاه امری ضروری اعلام شده و سازمان ملل موظف به تشویق ارتقاء سطح زندگی، ایجاد کار برای همه، حصول شرایط رشد اقتصادی، اجتماعی و توسعه شده است. تحقق چنین امری در پرتو اقدامات فردی و همگانی دول عضو با همکاری سازمان ملل متحد ممکن خواهد بود.^۱ در همین راستا سایر اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه روابط دوستانه مصوب ۱۹۷۰ و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها بر وظیفه دولت‌ها در جهت همکاری و مشارکت در رشد اقتصادی در سر تا سر جهان، به ویژه رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه تأکید کرده است.^۲ بدین ترتیب پس از تصویب منشور ملل متحد، زمینه برای تصویب موافقتنامه‌های بین‌المللی تجاری، نظیر موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت فراهم شد و متعاقب آن، سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی مهم به موجب موافقتنامه‌های مهم اقتصادی تأسیس گردیدند. سازمان تجارت جهانی از جمله آنها است که با پایان موفقیت‌آمیز دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد و به شکل‌گیری نظم تجاری در حوزه کالا، خدمات و مالکیت معنوی منجر گردید (Brummer, 2007: 1354).^۳ سازمان تجارت جهانی در صدد تسهیل جریان آزاد کالاها میان کشورها از طریق کاهش موانع تجارت و حل اختلافات تجاری در صورت بروز است. نظام چندجانبه سازمان تجارت جهانی با شمار در حال افزایش ترتیبات و پیمان‌های منطقه‌ای هم‌زیستی دارد. پیمان‌های منطقه‌ای، دولتهای عضو را به تعهدات متقابل رفتار



نقش منطقه‌گرایی
اقتصادی در ارتقاء اصول
و مبانی تجارت جهانی:
ارزیابی عملکرد اتحادیه
اروپا و موافقتنامه تجارت
آزاد امریکای شمالی

۱. مواد ۱، ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد

2. See: "General Assembly Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations", UN GA, 2625, 24 October, 1970 and Charter of Economic Rights and Duties of States, GA Res.3281 (xxix), UNGAOR, 29th Sess., Supp.No.31, 1974.

۳. منشور سازمان جهانی تجارت دارای چهار ضمیمه بسیار مهم می‌باشد. ضمیمه شماره یک شامل موافقتنامه‌های چندجانبه است که برای همه اعضاء الزام‌آور است. ضمیمه شماره یک، خود مشتمل بر سه قسمت است و دربردارنده سه دسته موافقتنامه‌های اساسی از جمله کالاها (موافقتنامه گات ۱۹۹۴ و موافقتنامه مرتبط به آن و سایر اسناد)، خدمات (موافقتنامه راجع به تجارت خدمات و ضمایم آن) و جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری است. ضمیمه شماره دو در خصوص موافقتنامه حل و فصل اختلافات و ضمیمه شماره ۳ ساز و کار بررسی خط و مشی تجاری است که کلیه اعضا را ملزم می‌کند. ضمیمه شماره ۴ حاکی از عدول هر چند جزئی از عقیده مجموعه واحد است که حاوی موافقتنامه‌های میان چند طرف می‌باشد و اختیاری است (Brummer, 2007, 1354).

ترجیحی در تجارت و همکاری در حوزه‌های دیگر نظیر سرمایه‌گذاری، تجارت کالا و خدمات ملزم می‌کنند (Gordon, 2011: 1117). به عنوان نمونه منطقه امریکای شمالی و اروپای غربی به‌عنوان حوزه‌هایی مؤثر برای تعیین نهادهای حکمرانی اقتصادی، اهمیت منطقه‌گرایی در حوزه همکاری اقتصادی را برجسته کرده‌اند و به اعتقاد برخی این‌گونه مناطق عوامل ضروری در ظهور نظم اقتصادی جهانی (Macleod, 2001: 80) و همچنین سبب ارتقای امنیت اقتصاد جهانی شده‌اند (Abbott, 2000: 169). منابع رسمی و معتبر اعم از کتاب و مقاله در ارتباط با جنبه‌های مختلف حوزه حقوق بین‌الملل اقتصادی به زبان فارسی و لاتین وجود دارند که به نحو جداگانه و پراکنده به تبیین چارچوب نظم تجارت جهانی و منطقه‌ای پرداخته‌اند. لیکن منابع موجود به طور جامع و همه‌جانبه نقش منطقه‌گرایی اقتصادی در ارتقاء اصول و مبانی تجارت جهانی از حیث نقاط تلاقی، نحوه تعامل، آثار و دستاوردهای آنها با محوریتی که در این مقاله ارائه گردیده را در بر نمی‌گیرند. با این حال بهره‌گیری از همین منابع پراکنده کمک شایانی در تنظیم این مقاله نموده است. با این توضیح که هر چند حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی می‌باشد، یکی از مقاصد سازمان ملل متحد است، اما حصول این همکاری در یک منطقه با توجه به همگرایی بیشتر موجود در آن منطقه، سریع‌تر قابل تحقق است. از یک‌سو ترتیبات منطقه‌ای در حوزه اقتصادی در حال گسترش بوده و از سوی دیگر جامعه بین‌المللی نیز با تورم حقوق و مقررات بین‌المللی مواجه است که مسئله کارایی و ساز و کار اجرایی آنها مطرح می‌شود، این گونه است که بهره‌گیری از کارآمدی ترتیبات منطقه‌ای اقتصادی در جهت تقویت اصول تجارت جهانی به ذهن متبادر می‌شود. لذا لازم است با واکاوی بنیان‌های ترتیبات منطقه‌ای از یک سو و ترتیبات جهانی که تجلی بارز آن سازمان تجارت جهانی است از سوی دیگر، نحوه تعامل منطقه‌گرایی اقتصادی با جهانی‌گرایی در حقوق بین‌الملل از حیث رویکردها و دیدگاه‌های متفاوت موجود و حوزه‌های همکاری مشخص گردد. این مقاله در صدد پاسخگویی به این سوال است که تقابل و تعامل منطقه‌گرایی اقتصادی با نظم تجاری جهانی به چه نحوی است؟ در پاسخ به پرسش پژوهش این فرضیه طرح شده است که، منطقه‌گرایی در جهت ارتقاء و حمایت از تجارت آزاد حرکت می‌کند و با حفظ پاره‌ای ملاحظات سبب تقویت تحقق اهداف و اصول جهانی تجارت و جهانی‌گرایی در حوزه تجارت خواهد شد.

به این ترتیب در این مقاله با توجه به عملکرد بلوک تجاری اروپا و موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی به عنوان نظام‌های منطقه‌ای در حوزه همکاری اقتصادی به نقش

این ترتیبات در ارتقاء اصول و مبانی تجارت جهانی پرداخته خواهد شد و ضمن معرفی دو بلوک تجاری منطقه‌ای اشاره شده در بالا، نقاط تقابل آنها با نظم تجاری جهانی بررسی خواهد شد تا در نهایت سهم و دستاوردهای آنها در تقویت و تحقق اصول و مبانی تجارت جهانی مشخص گردد.

۱. بلوک‌های تجاری منطقه‌ای

بلوک‌های تجاری منطقه‌ای اشکال گوناگونی به خود می‌گیرند برخی از آنها نظیر جامعه اروپا با ساختاری نظام‌مند مشتمل بر پارلمان، مراجع دادگستری و با ایده تفوق نظام حقوقی جامعه بر نظام حقوقی دولت‌های عضو نمود می‌یابند و برخی بلوک‌های دیگر در چارچوب موافقتنامه‌های چند جانبه‌ای با تشکیلات محدود نظیر موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی به وجود می‌آیند. گسترش رو به تزاید بلوک‌های تجاری منطقه‌ای بیانگر ویژگی‌های مشترک آنها است. وابستگی متقابل موجود در اندیشه لیبرالیستی و نگرانی از سرگیری جنگ، محرک برخی مناطق از جمله جامعه اروپایی شد تا سیاست وحدت و یکپارچگی در ابعاد مختلف از جمله حوزه همکاری اقتصادی را به عنوان عامل بازدارنده جنگی دوباره اتخاذ نمایند. به این ترتیب پنج سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، وحدت اروپایی توسط ربرت اسپچمن پیشنهاد شد (Joseph, 2011: 7-155). اتحادیه اروپا به عنوان منسجم‌ترین اتحادیه گمرکی در جهان و موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) به عنوان منطقه تجاری آزاد از جمله ترتیبات منطقه‌ای تاثیرگذار در حوزه همکاری اقتصادی به شمار می‌روند.^۱

۱. البته نمونه‌های منطقه‌گرایی در حوزه همکاری اقتصادی به قاره اروپا و آمریکای شمالی محدود نمی‌شود؛ اتحادیه گمرکی افریقای جنوبی (SACU)، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه ملت‌های آسیای جنوب شرقی (ASEAN)، مرکوسر مشتمل بر کشورهای آرژانتین، برزیل، پاراگوئه، اروگوئه و بازار مشترک امریکای مرکزی از جمله آنها است (Fernandez, 1998: 199) and (Sehgal, 2010: 306) and (O'Keefe: 1994, 439-41). اتحادیه ملت‌های آسیای جنوب شرقی نمونه موفق همکاری اقتصادی میان کشورهای در حال توسعه است که در سال ۱۹۶۷ با حضور کشورهای نظیر اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام تأسیس شد. این سازمان موجد قدرت فراملی نیست و محدودیتی برای دول عضو در خصوص آزادی‌شان در حوزه سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت و اتخاذ سیاست‌های تجاری با دول غیر عضو ایجاد نمی‌کند. همچنین آسه آن (ASEAN) معرف قواعد فراملی به‌عنوان قانون منطقه‌ای برای اجرا در محدوده دول عضو نیست که در صورت تعارض با قواعد داخلی دول عضو، برتری و اولویت داشته باشند. آسه آن دارای یک رکن حل اختلافات فراملی نیست که صلاحیت رسیدگی بر موضوعات همکاری اقتصادی بین‌المللی با اثر الزام‌آوری برای دول عضو داشته باشد بلکه به تنظیم حوزه‌های تجاری از

۱-۱. بلوک تجاری اروپایی

یکی از نمونه‌های برجسته و شاخص ترتیبات منطقه‌ای در حوزه همکاری اقتصادی، اتحادیه اروپا است که فعالیت اقتصادی خود را تحت عناوین مختلف از جمله بازار مشترک، جامعه اروپایی، جامعه اقتصادی و اتحادیه اروپا آغاز کرد و این‌گونه از طریق جابه‌جایی آزاد کار، سرمایه، خدمات از اتحادیه گمرکی به بازار واحد و در نهایت به اتحادیه اقتصادی با پول رایج واحد متحول گردید (Fernandez, 1998:199). محرک اصلی یکپارچگی اقتصادی در قلمرو اروپای غربی و آزادسازی تجارت بین‌اروپایی، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت بود. سازمان همکاری اقتصادی اروپایی مشتمل بر کشورهای دریافت‌کننده کمک و مساعدت از طرح مارشال در سال ۱۹۴۸ تأسیس شد و تنها سازمان بین‌الدولی بدون قدرت فراملی به حساب می‌آید (Callmann, 1963:462). سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) با عضویت هشت دولت اروپایی، ایالات متحده آمریکا و کانادا با دو وظیفه مهم ارتقاء رشد اقتصادی و اشتغال کامل و مساعدت به کشورهای کم‌تر توسعه یافته نظیر یونان، ترکیه و اسپانیا در سال ۱۹۶۰ جایگزین سازمان همکاری اقتصادی اروپایی شد. این سازمان امروزه چارچوب نهادینی برای همکاری میان اروپا و آمریکای شمالی فراهم کرده است (Callmann, 1963:463). در سال ۱۹۵۱ جامعه فولاد و زغال‌سنگ مشتمل بر شش کشور عضو از جمله فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، بلژیک، لوگزامبورگ و هلند تأسیس شد و این‌گونه اروپای کوچک شکل گرفت که بازار مشترک آن محدود به زغال‌سنگ و فولاد بود. جامعه زغال‌سنگ به شکل فدرال و فرا ملی بود و تا فوریه ۱۹۵۸ تمام تعرفه‌های زغال‌سنگ و فولاد بین دولتهای عضو حذف شد و تعرفه‌های واردات از سایر کشورها، بین اعضاء هماهنگ گردید. در این

طریق اتخاذ تصمیمات اقتصادی کلان که تجارت بین‌المللی و دیگر مبادلات اقتصادی در داخل و خارج از آسه آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اکتفا می‌کند (Naon Horacio, 1996.:1086-1091). البته همکاری مؤثر در حوزه صنایع و کشاورزی، توسعه تجارت و افزایش استانداردهای زندگی از اهداف این سازمان بوده است. از جمله اسناد مهم آن، امضا موافقتنامه تجاری ترجیحی در سال ۱۹۷۷ بود که ترجیحات تعرفه‌ای برای تجارت را اعطا می‌کرد. پروژه صنعتی آس آن و طرح‌های همکاری صنعتی آسه آن نیز از جمله اسناد مهم آن است (Baldwin, 2010:21) and (Macleod, 2001:807). لازم به ذکر است وحدت یکپارچگی منطقه‌ای در طول زمان به ثبات دست یافته است به عنوان نمونه پروتکل الیووس (Olivos Protocol) نظام جدیدی برای حل اختلاف در مرکوسر تعبیه کرده است و به این ترتیب با تصویب آن ثبات و قابلیت پیش‌بینی بیشتری برای فرآیند یکپارچگی منطقه‌ای فراهم کرده است (Barral, 2003:1).

میان تلاش برای تأسیس اروپای متحد از طریق نهادهای مشترک و همچنین از طریق هماهنگی تدریجی سیاست‌های اجتماعی دنبال و جامعه انرژی اتمی اروپایی به منظور تضمین همکاری در این حوزه تأسیس شد و در نهایت معاهده ۱۹۵۷ رم، موجد بازار مشترک اروپایی یا جامعه اقتصادی اروپایی شد (Callmann, 1963:463).^۱ اهمیت این معاهده تا جایی است که دیوان اروپایی دادگستری، آن را چیزی بیش از یک موافقتنامه که موجد تعهدات متقابل میان دول عضو باشد، دانست و آن را در پیدایش نظم حقوقی بین‌المللی تأثیرگذار اعلام کرد (Hoffman, 1983:68).^۲

به موجب ماده ۱۰۶ معاهده جامعه اقتصادی اروپا جابه‌جایی یا نقل و انتقالات سرمایه در زمره آزادی‌های اساسی میان دولت‌های عضو قرار گرفت و چنین جابه‌جایی از شمول محدودیت‌های قوانین و مقررات ارزی خارج شد. معاهده جامعه اقتصادی اروپا در صدد ایجاد یک اتحادیه اقتصادی کامل است. در همین راستا در جهت یکپارچه کردن سیاست‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف نظیر بخش‌های تجارت، کشاورزی و حمل و نقل گام برداشته است (و بر، ۱۳۷۰: ۱۶۰-۱۵۹). در مقدمه معاهده اتحادیه اروپا نیز بر پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی، بهبود شرایط کاری و سطح زندگی مردم، توسعه متوازن تجارت و عادلانه رقابت، تقویت همبستگی و اتحاد در اقتصاد آنان در جهت توسعه موزون، اجرای سیاست‌های مشترک بازرگانی و حذف موانع و محدودیت‌های تجارت تأکید شده است (شکوهی، ۱۳۸۱: ۶). دلایلی از جمله عضویت دائم کشورهای فرانسه و انگلیس در شورای امنیت سازمان ملل، عضویت دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در سازمان‌های اقتصادی - پولی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بیانگر پتانسیل قوی اتحادیه اروپا جهت رایزنی در مجامع بین‌المللی در حوزه همکاری اقتصادی است (خالوزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

۱. به موجب ماده ۳ معاهده رم هدف اتحادیه گمرکی باید ارتقاء و توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها و سرزمین دول عضو باشد و موجد روابط اقتصادی نزدیک میان آنها و جامعه اروپا در کل باشد (Bartels, 2007: 720).

۲. شش کشور اروپای غربی فرآیند یکپارچگی اقتصادی را در سال ۱۹۵۰ آغاز کردند که در نهایت به ایجاد اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۶۰ منجر گردید. هفت کشور اروپایی دیگر نیز اتحادیه تجاری آزاد را در سال ۱۹۶۰ تأسیس کردند. اکثریت اعضای اصلی موافقتنامه تجارت آزاد اروپا به اتحادیه اروپا ملحق شدند (Pomfret, 2007: 924).

اتحادیه اروپا در تجارت جهانی سهم چشمگیری را به خود اختصاص داده است و رقم قابل توجهی از صادرات و واردات تجارت جهانی را در اختیار دارد. البته درصد بیشتری از تجارت دولتهای عضو اتحادیه، در درون خود اتحادیه و میان دولتهای عضو صورت می‌پذیرد. سهم بودجه‌های اختصاصی از سوی اتحادیه اروپا در حوزه‌های مختلف نظیر توسعه بیش از همه بوده است. اتحادیه اروپا از سیاست حمایت‌گرایانه در بخش کشاورزی برخوردار است و در همین راستا برای حمایت از کشاورزان و افزایش تولید و ارتقای توان رقابتی در بازارهای جهانی، یارانه‌های کلانی به بخش کشاورزی اختصاص می‌دهد که این امر به طور جدی از سوی سازمان تجارت جهانی و کشورهای بزرگ نظیر آمریکا مورد مخالفت قرار گرفته است (Florin, 2006: 25-30). به این ترتیب جامعه اروپا در جهت دستیابی به یکپارچگی کامل اقتصادی از یک سو بر تشکیل بازار واحد، سیاست بازرگانی مشترک و حذف موانع گمرکی و از سوی دیگر بر اصل حاکمیت نظام بازار آزاد و تسهیل شرایط رقابت آزاد و رفتار برابر و منصفانه با همه، در کل بازار داخلی تأکید می‌کند (شکوهی، ۱۳۸۱: ۷).^۱

لازم به ذکر است جامعه اروپا به‌عنوان بلوک تجاری منطقه‌ای قدیمی، دارای سازو کاری نهادین و نظام‌مند است. فرآیند یکپارچگی اروپا با محوریت همکاری اقتصادی، بازار مشترک و یکپارچگی نهادین در وهله اول در قالب جامعه اروپایی اقتصادی و در وهله دوم جامعه اروپا آغاز شد. یکپارچگی اروپا از طریق معاهده رم تثبیت شد و پس از آن به موجب قانون یکپارچه اروپایی، دولتهای عضو مرزهای خود را به سوی کار، سرمایه و دارایی گشودند. وحدت اقتصادی اروپا بعد از تصویب معاهده اتحادیه اروپا (معاهده ماستریخت مصوب ۱۹۹۲) در جهت یکپارچگی اجتماعی و سیاسی نیز حرکت نمود و ضمن آن پیشرفت در چهار حوزه اتحادیه مالی و اقتصادی، سیاست خارجی مشترک و سیاست امنیت داخلی، عدالت و شهروندان اروپا مورد هدف قرار گرفت. پول رایج مشترک یورو که نتیجه رژیم اتحادیه پولی و اقتصادی بود به شکل‌گیری هویت اروپایی کمک کرد و این‌گونه گام رو به جلویی در جهت حفظ هویت ملی و فرهنگی کشورها در اقتصاد جهانی بود (Camile, 2011:3).^۲ اتحادیه اروپا هم‌اکنون همکاری خود را با سازمان

۱. البته بحران مالی که ابتدا در ایالات متحده امریکا رخ داد و سپس به دیگر جوامع گسترش یافت، اقتصاد اروپا را بعد از سال ۲۰۰۸ و خیم کرد و نگرانی راجع به آینده یورو را افزایش داد (Camile, 2011:3).

۲. به‌عنوان مثال معاهده جامعه اروپا می‌تواند دارای اثر مستقیم در دول عضو اتحادیه اروپا باشد به این معنی که توسط افراد در محاکم دول عضو در شرایط مقتضی قابل استناد باشد (Abbott, op.cit: 171). در

جهانی تجارت در کلیه فعالیت‌های مدون و برنامه‌ریزی شده به طور فعال ادامه می‌دهد. سیاست‌های تجاری خود را در فواصل زمانی منظم به سازمان جهانی تجارت اعلام می‌کند و به کشورهای کم‌تر توسعه یافته در راستای ایجاد امکانات بیشتر برای دسترسی به بازار تجارت، بازار منابع مالی و برخورداری از کمک‌های فنی مساعدت می‌کند (شکوهی، ۱۳۸۱: ۱۲۵).^۱ منطقه آمریکای شمالی نیز با تصویب موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی یکی دیگر از مناطق آزاد تجاری است که در ارتقاء همکاری اقتصادی میان دولتهای عضو ایفای نقش کرده است. این موضوع در قسمت بعد مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲. بلوک تجاری آمریکای شمالی

انعقاد موافقتنامه تجاری بین آمریکا و کانادا در سال ۱۹۸۲ مبنای ایجاد منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی است. به موجب موافقتنامه فی‌مابین کانادا و آمریکا، حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، افزایش سرمایه‌گذاری، گسترش و تشویق رقابت بین کالاها و خدمات تولیدی دو کشور و حل مسالمت‌آمیز اختلافات تجاری فی‌مابین، پیش‌بینی شده‌اند (Josep, op.cit: 165). متعاقباً جهت آزادسازی روند تجارت بین کشورهای قاره آمریکا، مذاکراتی میان نمایندگان آمریکا، کانادا و مکزیک در اوایل دهه نود شروع شد که در سال ۱۹۹۲ به امضای پیمان نفتا بین سه کشور کانادا، مکزیک و آمریکا منتهی گردید. هدف این پیمان که از سال ۱۹۹۴ به اجرا در آمد نه تنها حذف موانع تجاری فی‌مابین دولتهای عضو بود، بلکه آزادی سرمایه‌گذاری، حمایت از مالکیت معنوی و حفاظت از محیط زیست نیز از اهداف این موافقتنامه می‌باشد (Dean, 1993: 48-9).^۲ نفتا ساختار جامعی برای تجارت و سرمایه‌گذاری میان ایالات متحده آمریکا، مکزیک و کانادا ایجاد کرد. مکزیک دارای سیاست حمایت‌گرایانه شدیدتر از دو عضو دیگر است و

همین راستا اتحادیه پرداخت اروپایی به‌عنوان همتای سازمان همکاری اقتصادی اروپایی در حوزه پولی تأسیس شد (Callmann, op.cit: 463).

۱. از اواخر ۱۹۶۰ جامعه اقتصادی اروپایی به شماری موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای ملحق شد. نسل اول موافقتنامه‌ها شامل موافقتنامه با موراگو، تانزانیا، اسپانیا و اسرائیل در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ بود و نسل دوم موافقتنامه‌ها با اسرائیل در سال ۱۹۷۵، مغرب و مشرق در سال‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ منعقد شد (Bartels, op.cit: 746).

۲. به موجب ماده ۱۱۰۵ نفتا هر دولت عضو باید به سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران دولت دیگر رفتاری بر طبق حقوق بین‌الملل از جمله رفتار برابر عادلانه توأم با حمایت و امنیت کامل اعطا کند (Obadia, 2009: 1035-6 and 1045-6).

تعهدات خود را نسبت به نفتا در یک دوره گذار، زمان‌بندی کرده است. نفتا به منظور تسهیل فرآیند خرید دولتی، تبادل اطلاعات فنی در خصوص موضوع را پیش‌بینی کرده و برخی تغییرات قواعد خرید دولتی را در اعمال این موضوع نسبت به دولت و حکومت‌های ایالاتی لازم دانسته است. نفتا استانداردهایی برای حمایت از حق چاپ از جمله نوارهای صوتی، علائم تجاری، بخش‌های تجاری، اختراعات ثبت شده و طرح‌های صنعتی مقرر می‌کند و در این حوزه آیین اجرایی قوی از جمله مقررات مربوط به جبران خسارت تعبیه نموده است (Fernandez, op.cit:54).

موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی از ورود سایر کشورها به ویژه کشورهای آمریکای لاتین و مرکزی استقبال می‌کند که در صورت گسترش اعضای آن، می‌تواند یک قدرت اقتصادی بزرگ و رقیبی برای اتحادیه اروپا و ژاپن به شمار آید (165 Josep, op.cit:).^۱ زیرا موانع سرمایه‌گذاری و تجارت را کاهش داده است و تجارت و سرمایه‌گذاری را در میان سه کشور، سه جانبه کرده است. صادرات ایالات متحده آمریکا به مکزیک و کانادا چهار برابر صادرات آن به چین و ژاپن است و امروزه تقریباً تمام کالاهای تجارت شده میان ایالات متحده، مکزیک و کانادا بدون تعرفه گمرکی وارد می‌شوند. با توجه به حساسیت حوزه صنایع کشاورزی، تجارت آزادتر در این حوزه تا سال ۲۰۰۸ به تأخیر افتاد (Sehgal, op.cit:310). حل اختلافات سرمایه‌گذاری از طریق داوری به موجب مقررات داوری الزام‌آور اکسید یا قواعد آنسیترال صورت می‌گیرد (Dean, op.cit.:50).

نفتا، نمونه خوبی از برنامه و طرح منطقه‌گرایی باز است به این معنی که در سیاست‌های اقتصادی خارجی دولت‌های عضو مداخله ندارد یا به طور محدود مداخله می‌کند. نفتا به عنوان یک منطقه آزاد تجاری مستلزم اعطای اختیار حاکمیتی به ارگان‌های فراملی قانون‌گذاری و اجرایی نیست (Grigera Naon, op.cit: 1151). بنابراین ساختار نفتا همچنان مراکز قدرت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در اختیار مراجع ملی و داخلی قرار داده است. رابطه حقوقی میان نفتا و سازمان تجارت جهانی آشکار و روشن

۱. همچنین رک: محتشم دولت‌شاهی طهماسب، پیشین، صص ۴-۱۶۳. به عقیده برخی پیدایش و شکل‌گیری نفتا نگرانی‌های اتحادیه اروپا در خصوص سلطه ایالات متحده آمریکا در اقتصاد نیمکره غربی را برانگیخت و در همین راستا اتحادیه اروپا در صدد برقراری روابط اقتصادی نزدیک با مکزیک و اعضای موافقتنامه مرکوسر از جمله آرژانتین، برزیل، اروگوئه و پاراکو، بولیویا و شیلی بود. کشور ژاپن نیز به عنوان کشور آسیایی نگرانی خود را به خاطر اثر انحرافی احتمالی تجارت در ارتباط با نفتا اعلام کرد. (Abbott, op.cit:198).

نیست. نفتا نمونه یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای متفاوت از اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا بر مفهوم سیاست فدرال مبتنی است به این معنی که قدرت را از یک طرف میان ارکان اتحادیه اعم از شورا، کمیسیون، پارلمان و دیوان اروپایی دادگستری و از طرف دیگر بین دولت‌های عضو توزیع می‌نماید. در حالی که نفتا ماهیتاً اتحادیه‌ای در میان حاکمیت‌های مستقل است که هر یک از دول عضو اختیار تصمیم‌گیری سیاسی مستقل خود را در قالب محدودیت‌های مقرر در موافقتنامه حفظ می‌کنند. دیوان اروپایی دادگستری معاهده اتحادیه اروپا را منشور اساسی می‌داند و خود را در مقام حافظ آن معرفی کرده است حال آنکه به نظر می‌رسد نفتا به عنوان قانون اساسی و با هدف تغییر توزیع قدرت میان اعضای آن نباشد (Abbott, op.cit:1-170).

به طور کلی می‌توان گفت نفتا در صدد حذف تعرفه‌ها و دیگر مقررات محدودکننده تجاری میان دولت‌های عضو است در این میان تعرفه‌های مشترکی بر کالاهای با منشأ خارجی را نیز مقرر نمی‌کند مگر این که کالاهای با منشأ خارجی در داخل سرزمین دولت‌های عضو دگرگون شوند و ویژگی منطقه‌ای یابند. نفتا جابه‌جایی آزاد خدمات، سرمایه و جابه‌جایی آزاد توام با محدودیت شرکای تجاری میان اعضای خود را پیش‌بینی می‌کند و موافقتنامه، الزامی برای اتخاذ سیاست تجاری مشترک از سوی دولت‌های عضو ایجاد نمی‌کند. (Abbott, op.cit:173). با این دورنمای کلی از اهداف و دستاوردهای اتحادیه اروپا و موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی، زمینه‌های اصطکاک (تقابل و تعامل) نظام حقوقی تجارت جهانی و نظام‌های تجاری منطقه‌ای در عمل و در پرتو رابطه میان سازمان تجارت جهانی و بلوک‌های تجاری منطقه‌ای مورد اشاره، مشخص می‌گردد که در قسمت بعد مورد توجه قرار گرفته است.

۲. تقابل بلوک‌های تجاری منطقه‌ای با نظم تجاری جهانی

ثبات سیاسی و رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و امنیت اقتصادی بیشتر در منطقه آمریکای شمالی متعاقب شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای در حوزه اقتصاد سبب گردید تا این نظر برجسته گردد که یکپارچگی منطقه‌ای ذاتاً دارای خطرات و تهدیدهایی برای نظام سازمان تجارت جهانی است و سبب کاهش اهمیت نظام تجاری چند جانبه خواهد بود. نفتا نمونه خوبی از ترتیبات منطقه‌ای است که اعضای آن متشکل از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است. انعطاف‌پذیری و قدرت اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا و نفتا چالش‌هایی برای نظم تجاری جهانی به همراه داشته است. این مسئله از یک طرف به تلاقی حقوقی نظام تجاری منطقه‌ای و جهانی ارتباط می‌یابد و از طرف دیگر بحث

تضعیف اصل عدم تبعیض به عنوان یکی از مبانی اصلی تجارت جهانی و تحدید دامنه کشورهای تجارت کننده را مطرح می‌سازد.

۱-۲- تلافی حقوقی نظام تجاری منطقه‌ای و جهانی

دیوان اروپایی دادگستری خود را برای تفسیر مقررات تجاری گات صالح می‌داند با این استدلال که جامعه اروپا در خصوص تحقق تعهدات گات از سال ۱۹۶۸ عملاً جانشین دولت‌های عضو گردیده است و تفسیر کلیه مقررات و موافقتنامه‌های تجاری که در چارچوب سیاست تجاری مشترک قرار گیرد در صلاحیت انحصاری جامعه است (Callmann, op.cit: 24-5).^۱ در پرتو صلاحیت مشترک جامعه اروپا و دولت‌های عضو آن، موضوع صلاحیت دیوان اروپایی دادگستری در ارتباط با موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) و موافقتنامه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (تریپس) قابل طرح است. در این مورد دیوان اروپایی دادگستری صلاحیت انحصاری جامعه اروپا مبنی بر انعقاد این گونه موافقتنامه‌های تجاری و همچنین دیدگاه دولت‌های عضو را مبنی بر این که برخی قیود موافقتنامه‌های تریپس از جمله جبران‌های حقوقی در صلاحیت انحصاری دولت‌های عضو قرار می‌گیرد را رد کرد. دیوان به این ترتیب ضمن پذیرش صلاحیت مشترک دولت‌های عضو و جامعه اروپا بر صلاحیت خود در خصوص تفسیر و نظارت بر اجرای یکپارچه موافقتنامه‌های تجاری تأکید کرد و معتقد است جامعه و دولت‌های عضو در اتخاذ موضع مشترک باید همکاری داشته باشند تا این گونه به‌طور یکپارچه در جهان خارج جلوه‌گر شوند (Wwiler, 2006: 85).^۲ البته تمایل دیوان اروپایی



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره دوم، شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

1. 12. See: Amministrazione Delle Finanze Dillo Stato V. Societa Petrolifera Italianal and SPA Michelin Italiana (1983) and Egli, Patricia, "European Community – EC Compliance with Rulings of WTO Dispute Settlement Body in Banas Dispute Settlement Ruling in EC Law- Standing to Challenge EC Legislation as Inconsistent with WTO Agreements and Rullings", American Journal of International Law, Vol.100, Issue.2, 2006, pp.449-54.

۲. لازم به ذکر است برخی موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای متضمن تغییرات شکلی و روبه‌ای در خصوص قواعد سازمان تجارت جهانی هستند؛ به‌عنوان نمونه موافقتنامه میان دول اروپایی و یونان که مستلزم رایزنی قبل از وضع اقدامات حفاظتی به‌موجب موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است. برخی از این موافقتنامه‌ها حقوق موجود طرفین در خصوص وضع اقدامات ضد دامپینگ و نابرابری جبرانی به موجب قواعد سازمان تجارت جهانی و قانون‌گذاری داخلی را محفوظ نگه می‌دارد. این نوع موافقتنامه‌های تجاری که وضع اقدامات حفاظتی جهانی و دوجانبه را اجازه می‌دهد قابلیت این را دارند که کاربرد جبران‌های تجاری در میان اعضای سازمان تجارت جهانی را افزایش دهند (Voon, 2010: 620).

دادگستری بر این است که صلاحیت خود را بر تفسیر کل حقوق سازمان تجارت جهانی گسترش دهد و این‌گونه حوزه صلاحیتی منطقه اروپا در حوزه اقتصادی را صرفاً به مقرراتی که در محدوده قدرت و اختیار جامعه اروپا قرار می‌گیرد، محدود نکند؛ البته پذیرش این امر مشکل است زیرا سازمان تجارت جهانی مبین چارچوب قانونی پیچیده حاکم بر تجارت جهانی است و بر خلاف سایر سازمان‌های تجاری بین‌المللی، دارای نظام حل اختلاف با صلاحیت اجباری، چارچوب زمانی ثابت و فرآیند تصمیم‌گیری و نظام حل و فصل اختلاف بر پایه دو مرحله بدوی و تجدید نظر است (Bronckers,2005:443 and Lamy,2006:6-975).^۱ البته آزادی عمل دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی در خصوص اثر مستقیم حقوقی آن، زمینه را برای گسترش صلاحیت ترتیبات منطقه‌ای فراهم کرده است. جامعه اروپا نیز از استناد به قواعد گات نزد محاکم داخلی ممانعت نموده با این استدلال که مقررات و قواعد گات دارای اثر مستقیم در نظام‌های حقوقی داخلی نمی‌باشند (Alexanno,2004:50-549).^۲

لازم به ذکر است به‌رغم این‌که جامعه اروپا از اعطای اثر مستقیم حقوقی به مقررات گات امتناع کرده است، بعد از تأسیس سازمان تجارت جهانی لازم بود استدلالات قبلی خود را در پرتو ساز و کار سازمان جدید قاعده محور، بازنگری و متعادل کند. در برخی قضایایی نظیر گوشت گاو هورمونی، مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، مقررات جامعه اروپا را در خصوص تحدید واردات گوشت هورمونی ناقض موافقتنامه‌های اعمال اقدامات بهداشتی دانست با این استدلال که قانون‌گذاری اروپا مبتنی بر ارزیابی کامل خطرات سرطان در نتیجه استفاده از هورمون‌های رشد در گاو نبود. در نهایت جامعه اروپا نیز دستورالعمل جدیدی صادر کرد که ادعای مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در خصوص محدودیت‌های غیر قانونی بر واردات گوشت گاو هورمونی را تأیید کرد (Alexanno,op.cit.:4-551). با این توضیح که اثرات سوء استفاده از گوشت‌های هورمونی سبب شد در سال ۱۹۸۱ جامعه اروپا به کارگیری هورمون رشد را منع کند. البته در اثنای تصویب دستورالعمل ممنوعیت استفاده از هورمون در گاو، کشور انگلیس همواره مخالفت خود را اعلام کرده بود؛ علاوه بر ممنوعیت استفاده از هورمون رشد در محدوده جامعه اروپا، دستورالعمل منع واردات گوشت‌های هورمونی از سایر کشورها نیز

1. See: Wallach, Lori, "Transparency in WTO Dispute Resolution", Law and Policy in International Business, Vol.31, No.3,2000,pp.773-8.

۲. همچنین برای نحوه برخورد محاکم اتحادیه اروپا در خصوص تاثیر غیر مستقیم موافقتنامه‌های بین‌المللی رک، See: (Hix, 2013).

تصویب شد و این ممنوعیت شامل استفاده مطلق هورمون رشد و نه میزان مشخصی از هورمون استفاده شده در گوشت بود. این ممنوعیت بر تجارت آمریکا و کانادا تاثیر گذاشت زیرا این کشورها در پرورش گاو از هورمون استفاده می‌کردند به این ترتیب در نتیجه چنین ممنوعیتی صادرات به جامعه اروپا کاهش یافت و این بحث را مطرح کرد که اقدامات جامعه اروپا، آزادسازی محصولات کشاورزی را تحت تاثیر قرار داده است و این که این گونه اقدامات در زمره محدودیت‌های جدی بر واردات صنایع کشاورزی قرار می‌گرفت (Princen, 2004: 7-599). سازمان جهانی تجارت متضمن موافقتنامه اقدامات بهداشتی بود که مبین شرایط خاص به‌کارگیری استانداردهای محدودکننده تجاری در ارتباط با سلامت و بهداشت مواد غذایی بود. این موافقتنامه اتخاذ و اعمال استانداردهای محدودکننده را بر مبنای ارزیابی‌های خطرات علمی مجاز می‌دانست. به موجب بررسی‌های مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، اقدامات منطقه‌ای جامعه اروپا فراتر از استانداردهای بین‌المللی بود (Princen, 2004: 9-568). این قضیه بیانگر میزان رعایت استانداردهای بین‌المللی توسط ترتیبات منطقه‌ای اقتصادی نظیر جامعه اروپا است و اصطکاک (تقابل) میان دو نظام منطقه‌ای و جهانی را در حوزه تجارت نمایان می‌سازد. جامعه اروپا به رغم حکم صادره سازمان تجارت جهانی تا مدت‌ها تمایل به بازنگری ممنوعیت اتخاذ شده نداشت و همین امر سبب گردید کانادا و آمریکا نیز اقدام متقابل اتخاذ کنند (Princen, 2004: 570).

یکی دیگر از زمینه‌های تلاقی حقوقی نظام منطقه‌ای و جهانی تجاری در قالب موضوع اولویت اولیه یا ثانویه نظام حل و فصل اختلاف نظام منطقه‌ای و جهانی نمود می‌یابد. وجود نفتا با استناد به منافی که در سطح چند جانبه سازمان تجارت جهانی قابل تحقق نیست، توجیه می‌شود با این حال موافقتنامه تجارت آزاد در سطحی پایین تر از قواعد کلی تر سازمان تجارت جهانی قرار دارد و همین اولویت ثانویه ممکن است منافع خاص منطقه‌ای را به مخاطره اندازد (Abbott, op.cit: 177). این امر، بحث ترجیح مقررات سازمان تجارت جهانی و مقررات موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی را مطرح می‌سازد که باید از طریق بررسی متن معاهدات، شرایط تصویب آن معاهدات و قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط بین معاهدات مشخص شود. موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت و نفتا هر دو، معاهده بین‌المللی در تعریف مندرج در معاهده وین ۱۹۶۱ می‌باشند. این معاهده راه‌حل تعارض میان معاهدات با موضوعات مشابه را تفوق معاهده موخر بر معاهده مقدم می‌داند. به این ترتیب موافقتنامه سازمان جهانی تجارت بر اساس این قاعده کلی اولویت می‌یابد؛ اما مقرراتی در نفتا وجود دارد که تردیدهایی را در

خصوص این قاعده کلی مطرح می‌سازد (Abbott, op.cit:179). به موجب بند ۲ ماده ۱۰۳ نفتا، در صورت وجود مغایرت میان موافقتنامه تجارت آزاد امریکایی شمالی و موافقتنامه‌های دیگر، تا حد مغایرت، نفتا اولویت دارد مگر به نحو دیگر مشخص شده باشد.^۱ مرجع حل اختلاف نیز در خصوص این موضوع که کدام قواعد باید در اختلاف اعمال شود محدود به شرایط اساسنامه خود می‌باشد. فصل ۲۰ نفتا، دولت‌های عضو را در انتخاب مرجع حل اختلاف نفتا و گات/سازمان تجارت جهانی در اختلافات ناشی از هر دو موافقتنامه مخیر گذاشته است.^۲ به این ترتیب توجه به حقوق سازمان تجارت نادیده انگاشته نشده است و در قضایای مربوط به موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی، صلاحیت و قواعد هم‌پوشان نیز مورد توجه قرار گرفته است (Abbott, op.cit:183).

تلاقی حقوقی نفتا و نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی و نحوه حل و فصل آن در عمل و در زمان وقوع اختلاف آشکار می‌گردد. به‌عنوان نمونه در قضیه اعتراض و دعوی مکزیکی علیه آمریکا در خصوص واردات غلات که نزد مرجع صالح نفتا مطرح شد. در این مسئله، صلاحیت هیأت نفتا برای حل ادعاهای ناشی از مقررات گات/سازمان تجارت جهانی و نفتا نیز مطرح شد. در این قضیه مکزیکی به اقدامات حفاظتی و محدود کننده آمریکا نسبت به واردات غلات مکزیکی با بهانه جلوگیری از ضرر به محصولات داخلی اعتراض کرد با این ادعا که اقدامات تحدیدی آمریکا توجیهی قانونی نداشت و جلوگیری از ضرر به محصولات داخلی در این مورد به‌خصوص مطرح نبود. مجوز اقدامات تحدیدی و حفاظتی نسبت به واردات با هدف جلوگیری از ضرر به محصولات داخلی در ماده ۱۹ گات صادر شده است. مشابه چنین مقرره‌ای در فصل ۸ موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی پیش‌بینی شده است. به موجب بند ۱ ماده ۸۰۲ نفتا، هر دولت عضو، حقوق و تعهدات خود را به موجب ماده ۱۹ گات یا هر موافقتنامه حفاظتی متعاقب آن محفوظ نگه خواهد داشت. در مقابل، آمریکا ادعا می‌کرد که هیأت نفتا صلاحیت حل و فصل ادعاهای حقوقی مبتنی بر تعهدات مقرر در ماده ۱۹ گات و موافقتنامه حفاظتی سازمان تجارت جهانی را ندارد و معتقد بود صلاحیت مرجع حل اختلاف نفتا به ادعاهای ناشی از تعهدات موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی محدود می‌شود بنابراین هیأت نفتا

۱. استثنای قاعده کلی مندرج در ماده ۱۰۳ به موجب ماده ۱۰۴ مشخص شده است این ماده، تعهدات موافقتنامه‌های خاص حفاظت از محیط زیست را بر قواعد نفتا در حد مغایرت و ناسازگاری دارای اولویت می‌داند. (Abbott, op.cit,179)

۲. استثنای این موضوع، ادعاهای مربوط به محیط زیست و استانداردهای فنی است که دولت خواننده ممکن است درخواست کند که موضوع در مرجع حل اختلاف نفتا حل و فصل گردد. (Ibid.182)

نمی‌توانست تعهدات گات را مورد توجه قرار دهد مگر در حدی که در موافقتنامه تجارت آزاد درج شده باشد. بر اساس دیدگاه ایالات متحده آمریکا، محتوی ماده ۸۰۲ نفتا که به دولت‌های عضو حق اتخاذ اقدامات حفاظتی جهانی اعطا می‌کند، بیانگر محتوی ماده ۱۹ گات و موافقتنامه حفاظتی سازمان تجارت جهانی در چارچوب نفتا نیست. در نتیجه، ادعای مکزیکی چون ناشی از تعهدات گات و موافقتنامه سازمان تجارت جهانی است، باید از طریق مرجع حل اختلافات سازمان تجارت جهانی حل و فصل گردد. مکزیکی هم به بند ۱ ماده ۲۰۵ استناد کرد که مجوز اختیار انتخاب مرجع صالح حل اختلاف به موجب گات/ سازمان تجارت جهانی و نفتا را به طرفین اختلاف واگذار کرده است. در نهایت هیأت، خود را برای حل اختلاف صالح دانست و معتقد بود که ایالات متحده، قواعد آیینی متداول گات و نفتا را در اتخاذ اقدامات حفاظتی رعایت نکرده است (Abbott, op.cit: 187).^۱ لازم به ذکر است موافقتنامه سازمان تجارت جهانی، مقررات آن سازمان را بر تمام دولت‌های عضو الزام‌آور می‌داند و مقرر می‌دارد که هر دولت عضو باید مطابقت قوانین، مقررات و آیین اجرایی خود را با تعهداتش به موجب موافقتنامه‌های ضمیمه تضمین کند. (Abbott, op.cit: 189) یکی دیگر از تقابلهای احتمالی نظام منطقه‌ای و جهانی تجارت امکان تضعیف اصل عدم تبعیض از طریق گسترش رویکرد منطقه‌گرایی اقتصادی خواهد بود که این موضوع در قسمت بعد مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۲- تضعیف اصل عدم تبعیض

اصل عدم تبعیض از دیرباز در روابط تجاری بین‌المللی حاکم بوده است و هم‌اکنون پایه اصلی حقوق بین‌الملل اقتصادی است. به موجب اصل عدم تبعیض، دولت‌های عضو معاهده اقتصادی نباید با بازیگران بازار داخلی، مطلوب‌تر از بازیگران بازار خارجی رفتار کنند (رفتار ملی) (National Treatment) یا این که میان بازیگران بازار خارجی با منشاهای گوناگون تفاوت قایل شوند (اصل ملل کامله‌الوداد) (MFN) چنین اصلی بر تمام حوزه‌های حقوق بین‌الملل اقتصادی از جمله کالاها و خدمات، حمایت از سرمایه‌گذاری و حمایت از حقوق مالکیت معنوی سایه افکنده است (Diebold: 2012, 831).^۲ اصل عدم

1. See: Matter of the US safeguard Action on Broom Corn Brooms from Mexico (USA.97-2008-01) before the Panel established under Chapter Twenty of the North American Free Trade Agreement final Panel Report, 30 Jan, 1998, at: WWW.nafta-sec-alena.org.

۲. به موجب ماده ۱ موافقتنامه تعرفه و تجارت هرگونه مزیت، کمک، امتیاز یا معافیت اعطایی توسط یک عضو متعاقد برای محصولی که مبدا آن کشوری دیگر بوده یا برای آن کشور ارسال شده یا به مقصد

تبعیض بر تمام انواع موانع تجاری دولتی نظیر معیارهای مرز به‌عنوان مثال محدودیت‌های کمی و تعرفه‌ای و مقررات داخلی نظیر مالیات و استانداردهای کالا، قابل اعمال است. مقتضی چنین اصلی ممنوعیت غیرمستقیم اقدامات تبعیض‌آمیز است. (Diebold, op.cit. 832) در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری، بازیگران بازار خارجی در صدد دسترسی به بازار داخلی تحت پارامترهای رقابتی برابر با بازیگران بازار داخلی هستند. (Ibid.: 832.)

هر چند ادبیات ماده یک موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت بیانگر اعمال و اجرای بدون قید و شرط اصل ملل کامله‌الوداد است لیکن این اصل از تخصیص و ورود استثنائات دور نمانده است و پیدایش اتحادیه‌های گمرکی نظیر اتحادیه اروپا و منطقه آزاد تجاری نظیر نفتا در ظاهر از طریق کاهش یا حذف تعرفه میان دولت‌های عضو موافقتنامه بدون تسری رفتار مشابه به دولت‌های غیر عضو در حال گسترش این استثناء می‌باشند (Gazzini, 2006: 8-727).^۱ هر چند موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای استثنایی بر اصل عدم تبعیض است، لیکن مواد مرتبط از جمله ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و ماده ۵ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات متضمن معیار و آیین خاص برای

سرزمین آن کشور بوده به کلیه اعضا متعهد تعمیم داده خواهد شد. این ماده به حقوق گمرکی و هر نوع هزینه‌های مقرر بر واردات و صادرات یا در ارتباط با آنها مربوط می‌شود یا مربوط است به عوارضی که شامل انتقال بین‌المللی سرمایه‌هایی است که برای واردات یا صادرات پرداخت شده

۱. این‌گونه شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای امکان اعمال‌گزینه‌های برخی تعهدات سازمان تجارت جهانی از جمله اصل ملل کامله‌الوداد را فراهم می‌کند. همچنین رفتار خاص و ترجیحی نسبت به کشورهای در حال توسعه و کم‌تر توسعه یافته نیز در جهت نادیده انگاشتن تعهد رفتار ملل کامله‌الوداد است (Gazzini, 2006: 727-8).

البته دیگر استثنائات اصل ملل کامله‌الوداد به موجب ماده ۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مشخص شده است. «هرگونه مزیت، مساعدت، امتیاز یا معافیت اعطایی یک عضو که: الف- از موافقتنامه‌های بین‌المللی معاضدت قضایی یا اجرای قانون دارای ماهیتی عام که به طور خاص به حمایت از مالکیت فکری محدود نگردد، ناشی شده باشد، ب- طبق مقررات کنوانسیون برن (۱۹۷۱) یا کنوانسیون رم اعطا شده باشد که اجازه می‌دهد رفتار اتخاذ شده تابعی از رفتار ملی نبوده، بلکه از رفتار پذیرفته شده در کشور دیگر تبعیت کند. ج- در خصوص حقوق اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار حقوقی و مؤسسات پخش‌کننده خارج از چارچوب موافقتنامه حاضر باشد؛ د- از آن دسته از موافقتنامه‌های بین‌المللی مربوط به حمایت از مالکیت فکری که قبل از لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه سازمان جهانی تجارت به اجرا در آمده‌اند، ناشی شده باشد؛ مشروط بر این‌که چنین موافقتنامه‌هایی به اطلاع «شورای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری» برسند و در عین حال، تبعیض اختیاری یا غیر قابل توجیه علیه اتباع اعضای دیگر قائل نشوند» (ماده ۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت).

ارزیابی این‌گونه موافقتنامه‌ها است (Hirsch,2008:27). موافقتنامه‌های موجد موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای توسط سازمان تجارت جهانی تحت بازنگری قرار می‌گیرند؛ متعاقب گزارش کمیته مربوط به موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای، شورای تجارت در کالاها ممکن است بررسی کند که آیا موافقتنامه تجاری منطقه‌ای خاص با معیارهای مقرر در ماده ۲۴ سازگار است یا خیر. در صورتی که شورا احتمال دهد که موافقتنامه تجاری منطقه‌ای با شرایط مقرر سازگار نیست به اعضای موافقتنامه مذکور توصیه‌هایی می‌کند و این‌گونه اعضای موافقتنامه باید لازم الاجرا شدن موافقتنامه تجاری منطقه‌ای را منوط به اعمال توصیه‌های شورا نمایند. همین رویه نیز در خصوص موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای در حوزه خدمات اعمال می‌شود؛ البته ضرورت اجماع برای اتخاذ تصمیم در کمیته مذکور عملاً چنین بازنگری را ناکارآمد می‌سازد. (Ibid:284).^۱ مضاف بر آن، مفاد ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت عبارت است از این‌که تجارت میان اعضای موافقتنامه تجاری منطقه‌ای، آزاد می‌شود. در خصوص اتحادیه‌های گمرکی، اعضاء ملزم به اعمال حقوق گمرکی مشابه و دیگر محدودیت‌های تجاری نسبت به محصولات کشورهای ثالث هستند؛ آزادسازی تجارت میان اعضای موافقتنامه تجاری منطقه‌ای در یک دوره زمانی معقول حاصل می‌شود. به موجب تفاهم‌نامه ۱۹۹۴ این دوره زمانی مگر در موارد استثنائی از ده سال تجاوز نمی‌کند؛

۱. در نظر دیگر، سازمان تجارت جهانی مشروعیت موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای را تعیین یا اعمال نمی‌کند بلکه موافقتنامه منطقه‌ای در عمل میزان وابستگی به قانون سازمان جهانی تجارت را تعیین می‌کنند. این نوع تفسیر زمینه طرح رویکرد تفوق نظم منطقه‌ای بر نظم جهانی را طرح می‌کند با این توضیح که «نیاز به ایجاد مفاهیم اجتماعی مشترک در نظام اقتصاد بین‌الملل نمی‌تواند با تحمیل مفاهیم مشترک در سطح جهانی باشند، باید از سطوح پایین ظهور یابند به این معنا که به واسطه رفتار متقابل میان دولت‌ها و جوامع در گروه‌های کوچک‌تر منطقه‌ای شکل گرفته است». فابریکوتی، آلبرتا، رابطه متقابل سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای: آیا این موضوع را می‌توان در قالب رابطه میان منابع حقوق بین‌الملل مطرح کرد؟، مترجم: فرزاد مهرانی، سال ۱۳۸۸، ش ۴۱، پاییز و زمستان، ص ۳۱۴. رابطه میان سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه‌های تجاری در قالب رابطه میان منابع مختلف حقوق بین‌الملل از جمله عرف و معاهده قابل بررسی است. همان، صص ۳۱۹-۳۳۹. شایان ذکر است موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای از اوایل سال ۱۹۹۰ رشد فزاینده‌ای داشته است. تا ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ تعداد ۵۴۶ موافقتنامه تجاری منطقه‌ای به گات/سازمان جانی تجارت گزارش شده است. از این تعداد، ۳۵۴ موافقتنامه لازم‌الاجرا شده‌اند. ویژگی مشترک این موافقتنامه‌ها این است که تمام آنها، موافقتنامه‌های تجارت متقابل میان ۲ یا چند کشور است

http://www.wto.org/english/tratop_e/region_e/region_e.htm

عوارض گمرکی و محدودیت‌های تجاری وضع شده به موجب امضای موافقتنامه تجاری منطقه‌ای بر محصولات کشورهای ثالث نباید بیشتر و محدودکننده‌تر از حدود عوارض گمرکی و محدودیت‌های مجری قبل از انعقاد موافقتنامه تجاری منطقه‌ای باشد؛ اعضای موافقتنامه تجاری منطقه‌ای تمام توافقات و اطلاعات مرتبط را به سازمان تجارت جهانی اطلاع می‌دهند و در اختیار آن سازمان قرار می‌دهند (Hirsch, op.cit:282-3 and Bartel,op.cit:728). وجود منطقه آزاد تجاری، استثنایی بر اعمال اصل ملل کامله الوداد است به این معنی که دول عضو منطقه آزاد ملزم نیستند رفتار ترجیحی و امتیازاتی که نسبت به یکی از دول عضو اعمال و اعطا می‌کنند، به دولت‌های خارج از منطقه که عضو سازمان تجارت جهانی می‌باشند، نیز اعطا کنند. محمل قانونی ایجاد منطقه آزاد تجاری، ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت است. این ماده ساز و کاری را برای معافیت اعضای منطقه آزاد تجاری از تعهد بر تسری رفتار ترجیحی موجود در منطقه و بین اعضا به دول غیرعضو پیش‌بینی کرده است. (Abbott,op.cit:174). البته ساز و کار ماده ۲۴ درخصوص منطقه آزاد تجاری و اتحادیه گمرکی مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. مبنای اصلی این انتقاد این است که ماده ۲۴، مناطق آزاد تجاری و اتحادیه گمرکی را منوط به بازنگری معینی نمی‌کند و فرآیند بازنگری تحت کنترل اعضای منطقه آزاد تجاری و اتحادیه گمرکی است. لازم به ذکر است موافقتنامه سازمان تجارت جهانی متضمن تفاهم‌نامه‌ای است که عناصر بازنگری موضوع ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴ را روشن می‌سازد اما هیچ‌یک به حق اعضا برای کنترل نتایج فرآیند بازنگری خدشه وارد نمی‌کند. تفاهم‌نامه مقرر می‌دارد که دولت‌های غیرعضو اتحادیه گمرکی و منطقه آزاد تجاری ممکن است درخصوص اعمال ماده ۲۴ اقدام به طرح دعوی کنند و این‌گونه توجه رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی نیز به منطقه آزاد تجاری معطوف می‌دارد (Ibid:174-5 and Wechter Kevin A,op.cit:2614-15).

ماده ۵ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات نیز به دولت‌های عضو ترتیبات منطقه‌ای اجازه حذف موانع تجارت در حوزه خدمات در میان خود بدون تسری این امتیازات به دول غیرعضو را می‌دهد (Ibid:175). نفتا در قالب ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تجارت و ماده ۵ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، تمام تعرفه‌ها و دیگر مقررات محدودکننده تجاری بر تجارت میان کانادا، مکزیک و آمریکا را حذف کرده و تمام موانع تجارت خدمات را از میان برداشته و این‌گونه جایگاه خود را در نظام سازمان تجارت جهانی به عنوان منطقه آزاد تجاری تعیین کرده است. نفتا شخصیت حقوقی بین‌المللی ندارد و بر خلاف اتحادیه اروپا عضو سازمان تجارت جهانی نیست. نفتا به عنوان منطقه آزاد تجاری

از طریق سازمان تجارت جهانی و با واسطه حضور دولتهای عضو قاعده‌مند می‌شود و باید اقدامات آن با سازمان تجارت جهانی سازگار باشد (Abbott, op.cit:7-175). با این حال وجود چنین ترتیبات منطقه‌ای در حوزه اقتصادی ضمن این که استثنایی بر اصل عدم تبعیض سازمان تجارت جهانی محسوب می‌گردند، امکان محدود شدن تجارت میان دولتهای عضو را فراهم می‌کند که در قسمت بعد به آن پرداخته شده است.

۳-۲. تغییر تجارت از مسیر واقعی

یکی از انتقادهای پیش‌روی ترتیبات تجاری منطقه‌ای، انحراف و تغییر تجارت از مسیر واقعی خود است.^۱ به این معنی که هدف نظام حقوقی همکاری اقتصادی باید ارتقاء و گسترش تجارت آزاد باشد حال آن که وجود ترتیبات منطقه‌ای، تجارت را محدود به تجارت میان اعضاء می‌نماید و دایره تجارت و همکاری اقتصادی را به دولت‌های خاص موجود در یک منطقه محدود می‌کند. در این میان دول عضو یک موافقتنامه تجاری منطقه‌ای برای رفع نیازهای تجاری خود صرفاً به مبادلات تجاری با هم‌پیمانان خود می‌پردازند. این امر ممکن است رفاه همگان و کارآمدی اقتصادی جهانی را دچار خدشه نماید. بنا بر یک نظر، توسعه جامعه اروپا سبب انحراف تجارت کشاورزی شده است زیرا کشورهای اروپای جنوبی، غلات و دیگر فراورده‌ها را از منابع نسبتاً با هزینه بالا لیکن از هم‌پیمانان خود تهیه و خریداری می‌کنند و کم‌تر به سراغ تولیدکنندگان با هزینه پایین‌تر در بخش‌های دیگر جهان نظیر اقیانوس اطلس، استرالیا یا آسیا می‌روند یا کشورهای اروپای شمالی فرآورده‌هایی نظیر روغن زیتون را از اروپای جنوبی تهیه و خریداری می‌کنند تا از منابع ارزان‌تر در آفریقای شمالی (Fernandez, op.cit:1-200).^۲

1. Trade - diverting

۲. به نظر می‌رسد چنین امری در سیاق اتحادیه گمرکی که مستلزم برابری تعرفه‌های خارجی است، ظاهر شود. یکی از بحث‌هایی که در زمان ورود انگلیس به جامعه اروپا مطرح می‌شد این بود که انگلیس با ورود خود مجبور است فرآورده‌های روزانه را از محدوده جامعه اروپا و با قیمت گران‌تر تهیه کند (Fernandez, op.cit:200-1) همچنین موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای ممکن است سبب آثار توزیعی ناشی از کاهش تعرفه یا درآمد سهمیه به مرز کشورهای ثالث شوند. با این توضیح که اگر یک موافقتنامه تجاری منطقه‌ای تمام قیمت‌های موجود را بدون تغییر بگذارد به این معنی که تعرفه‌ها نسبت به اعضا حذف شده باشد اما نسبت به دیگر کشور باقی‌مانده باشد در این حالت تجارت میان دول عضو گسترش خواهد یافت و دول عضو ترجیح می‌دهند از یکدیگر بیشتر خرید کنند و فرآورده‌های خود را از طریق مبادله تجاری با یکدیگر تامین کنند. در نتیجه تقاضا برای کالاهای کشور ثالث کاهش خواهد یافت و چون

بدیهی است تجربه وجود ترتیبات تجاری منطقه‌ای بیانگر آثار مثبت این‌گونه ترتیبات بر رفاه دولتهای عضو موافقتنامه تجاری منطقه‌ای است اما نمی‌توان آثار منفی آن بر اقتصاد کشورهای غیر عضو را نیز نادیده گرفت. چنین انحرافی در چارچوب موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی نیز قابل رویت است. به عنوان نمونه مکزیک جایگزین چین برای صدور منسوجات به ایالات متحده آمریکا شده و همچنین تجارت و همکاری اقتصادی کانادا با کشورهای آسیایی کاهش یافته است (Garnaut, 2007: 513-4 and Brummer Chris, op.cit:1360 and Bryan,1996: 702).

علاوه بر این، ترتیبات تجاری منطقه‌ای با انتقاد تضعیف نظام چند جانبه تجاری و نظم جهانی مواجه‌اند (Langenhove, 2008: 479). در این چارچوب، جهان تجارت به امپراتوری‌های تجاری محدود با ساختارهای تجاری آزاد غیر غالب تقسیم می‌شود که صرفاً نظام جهانی را که از طریق آن اکثر کشورهای جهان تعرفه‌های تجاری را کاهش داده‌اند، تحت فشار قرار می‌دهد. همچنین ممکن است بر خلاف تصور، به آزادسازی تجارت منجر نشوند و از طریق افزایش موانع تجارت خارجی دامنه تجارت را محدود کنند (Joseph, op.cit:169).

انعقاد موافقتنامه منطقه‌ای با لحاظ رعایت معیار جغرافیایی نیز انتقاد برانگیز است؛ ممکن است برخی کشورها به لحاظ جغرافیایی ناگزیر از ورود در دایره همکاری اقتصادی میان دولتهای عضو یک منطقه شوند، حال آن‌که می‌توانند از طریق همکاری اقتصادی با سایر کشورهای جهان از دستاوردهای تجاری بیشتری برخوردار شوند. به‌عنوان نمونه استرالیا که به لحاظ جغرافیایی در موقعیت خوبی برای همکاری با بلوک تجاری آسیا است، ممکن است وادار شود از دسترسی بدون تعرفه به بازار بزرگ امریکای شمالی برای تأمین فرآورده‌های معدنی خود چشم‌پوشد (Wechter, op.cit: 2625-6)^۱ در نهایت، ادعا می‌شود موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای سبب تغییرات شکلی و رویه‌ای در خصوص اعمال جبران‌های تجاری نظیر اقدامات ضد دامپینگ، حفاظتی و

تقاضا برای کالاهای آن کاهش می‌یابد متقابلاً قیمت کالاهای آنها نیز کاهش می‌یابد. این درحالی است که قیمت کالاهای دول عضو منطقه تغییر نکرده است. (Ibid:201).

۱. با این حال برخی کشورها به لحاظ موقعیت اقتصادی و سیاسی خاص خود به رغم وجود معیار جغرافیایی از ورود به موافقتنامه تجاری منطقه‌ای خوداری می‌کنند. به‌عنوان مثال کوبا اگرچه به لحاظ جغرافیایی در موقعیت تجاری خوبی با مکزیک و ایالات متحده آمریکا نظیر دیگر کشورهای امریکای لاتین است اما تفاوت‌های سیاسی، مانع ورود آن به موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی شده است. (Wechter, op.cit:2625-6)

جبرانی سازمان تجارت جهانی می‌شوند و برخی از آنها مستلزم قواعد اضافی در خصوص اجرای اقدامات حفاظتی می‌باشند. این موافقتنامه‌ها عموماً رایزنی قبل از اعمال جبران‌های تجاری را لازم می‌دانند و همین‌طور اطلاع به سایر اعضا از جمله شرایط اعمال جبران‌های تجاری است.^۱ با این حال نقش مثبت منطقه‌گرایی اقتصادی در ارتقای مبانی تجارت جهانی و رفع یا کاهش موانع تجاری را نباید نادیده گرفت که این موضوع در قالب تعامل بلوک‌های تجاری منطقه‌ای با نظم تجاری جهانی قابل بررسی است.

۳. تعامل بلوک‌های تجاری منطقه‌ای با نظم تجاری جهانی

نظم تجاری جهانی نظیر گات و سازمان تجارت جهانی از طریق ایجاد نظام اقتصادی بین‌المللی آزاد با دخالت حداقلی دولت در امور تجاری زمینه قدرت و شانس رقابتی یکسان را برای بنگاه‌های تولید در سطح بین‌المللی فراهم کرده است. (طهماسب، پیشین: ۹۹).

آزادسازی تجارت به‌عنوان هدف غایی تلاش‌های نظام جهانی و منطقه‌ای تجاری بوده است و در همین راستا تعهداتی بر عهده دولت‌های متعاقد از جمله اعمال مطلوب‌ترین رفتار با دولتهای عضو، رعایت سطح تعرفه‌هایی که در جدول اعطای امتیازات مقرر شده، محدود نمودن یا خودداری از به‌کارگیری برخی معیارهای غیر تعرفه‌ای منحرف‌کننده تجارت، گذارده شده است. اگر هدف غایی نظم تجارت جهانی را به‌طور کلی بهبود، توسعه و رفاه زندگی مردم دولتهای عضو بدانیم، چنین هدفی در فضای تجاری آزاد در سطح جهان قابل حصول است (نیکبخت ۱۳۸۲: ۸۰-۷۹). سازمان تجارت جهانی نیز متضمن قواعد و اصول پایه‌ای نظیر اصل عدم تبعیض، قواعد مربوط به دسترسی بازار از جمله قواعد شفافیت، قواعد مربوط به تجارت ناعادلانه، تعارض میان آزادی تجارت و

۱. لازم به ذکر است برخی موافقتنامه‌های تجاری اقدامات ضد دامپینگ را میان اعضای موافقتنامه لغو می‌کند. یکی از نمونه‌های آن موافقتنامه تجاری روابط اقتصادی نزدیک استرالیا و نیوزلند مصوب ۱۹۸۳ است. (که در سال ۱۹۸۸ از طریق پروتکل موافقتنامه تجاری روابط اقتصادی نزدیک نیوزلند و استرالیا در خصوص تسریع تجارت آزاد کالا تکمیل شد) به‌موجب این موافقتنامه اعضا توافق کردند که اقدامات ضد دامپینگ بر کالاها با منشا سرزمین‌های یکدیگر را حذف کنند. این موافقتنامه به دول عضو اجازه می‌دهد به وضع اقدامات جبرانی در خصوص واردات یکدیگر ادامه دهند مگر این‌که یک اقدام جایگزین قابل قبول از سوی دولتهای عضو تعیین شود (Voon, 2010: 640).

۲. البته روابط اقتصادی بین‌المللی از دخالت دولتها مصون نبوده است و دسترسی به بازارهای داخلی همواره از طریق وضع حقوق گمرکی تحت کنترل دولت‌ها بوده و به‌رغم تشویق بازار آزاد مقرراتی برای تنظیم آن وضع گردیده است. (Ibid:627-8).

دیگر منافع و ارزش‌های اجتماعی، قواعد مربوط به رفتار خاص و متفاوت برای کشورهای در حال توسعه و شماری قواعد شکلی مهم مربوط به تصمیم‌گیری و حل اختلاف است (Peter Van, 2005:39). به طور کلی ارتقاء تجارت آزاد و رقابت سالم، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش یا رفع موانع تجاری از جمله اهداف سازمان تجارت جهانی می‌باشند که منطقه‌گرایی اقتصادی به دلیل ظرفیت خود می‌تواند در جهت تحقق آنها گام‌های موثر بردارد. به این ترتیب تعامل منطقه‌گرایی اقتصادی با نظم تجارت جهانی جهت تحقق اهداف فوق‌الذکر در این قسمت مطرح نظر خواهد بود.

۱-۳. ارتقای تجارت آزاد و رقابت سالم

اصل تجارت آزاد توأم با رقابت سالم و بدون سوءنیت با منع امتیاز و کمک غیرموجه به محصولات داخلی برای از بازار خارج کردن محصولات خارجی و منع فروش کالا و خدمات در کشور دیگر زیر قیمت اصلی به منظور بازار شکنی محصولات داخلی آن کشور، و منع رواج بازرگانی دولتی برای استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی در امر تجارت، محقق می‌شود (نیکبخت، پیشین: ۸۰).

در همین راستا امکان انعقاد موافقتنامه‌های یکپارچگی منطقه‌ای از سوی گروهی از اعضا برای آزاد سازی تجارت کالا و خدمات میان دولت‌های عضو، وجود دارد. ماده ۵ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات این امکان را منوط به تحت پوشش قراردادن بخش‌های قابل توجه و حذف تمامی تبعیض‌ها نموده است. موافقتنامه‌های منطقه‌ای باید در جهت آزادی تجارت یا جلوگیری از افزایش محدودیت‌ها باشد. تقریباً تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت، موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای را نظیر اتحادیه اروپا و نفتا امضا نموده‌اند (فتیحی‌زاده، پیشین: ۱۷۲).

البته همین امر سبب پیدایش نظرات مختلف شده است با این توضیح که چنین موافقتنامه‌هایی با هدف تشویق کشورها به واردات از اعضای یک بلوک تجاری خاص، مانع تجاری در برابر سایر بلوک‌ها است و بنابر نظر دیگر جریان تجارت منطقه‌ای آزادتر از موافقتنامه عمومی تجارت خدمات بوده است (همان: ۱۷۳). لازم به ذکر است منظور از رقابت آزاد سالم، رقابت بی قید و بند نیست بلکه ایجاد شرایط منصفانه و متعادل برای حضور همه فعالان تجاری در بازار و حذف موانع و رفتارهای انحصاری و تبعیض‌آمیز در آن است. بستر چنین امری در حوزه محدودتری از کشورها، آسان‌تر فراهم خواهد شد. به موجب ماده ۱۰۱ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا، اتحادیه‌های صنفی و فعالیت‌های جمعی که می‌توانند تجارت بین کشورهای عضو را تحت تاثیر قرار دهند و دارای هدف یا اثر



نقش منطقه‌گرایی
اقتصادی در ارتقاء اصول
و مبانی تجارت جهانی:
ارزیابی عملکرد اتحادیه
اروپا و موافقتنامه تجارت
آزاد امریکای شمالی

ممانعت کننده، محدود کننده یا مخرب در رقابت در داخل بازار مشترک باشند، ممنوع خواهند بود. همچنین بر طبق ماده ۱۰۲ معاهده مذکور، هر گونه سوء استفاده یک یا چند شریک تجاری که در کل بازار مشترک یا در بخش اساسی آن دارای موقعیت انحصاری است، چنانچه تجارت بین دولت‌های عضو را تحت تاثیر قرار دهد، به عنوان عمل مغایر مقررات بازار مشترک ممنوع خواهد بود (هوهن فلدرن، ۱۳۸۵: ۱۸۸).^۱

بنابراین، اصل اجرای رقابت آزاد به معنی ایجاد شرایط منصفانه و متعادل برای مشارکت و حضور تمام فعالان تجاری در بازار و حذف موانع و رفتارهای انحصاری و تبعیض آمیز در بازار است (شکوهی، ۱۳۸۱: ۱). چنین اصلی در پرتو همگرایی به معنی یکپارچه سازی بازارها و دسترسی همه به بازارها، کاهش تدریجی موانع تجارت آزاد، تشویق فعالان اقتصادی بر گسترش فعالیت‌های تجاری خود و همکاری اقتصادی قابل تحقق است. تمرکز بر اصل رقابت آزاد و سالم به شکل‌گیری حقوق رقابتی، خواهد انجامید (Lane, 2000: 39). چنین امری در حوزه‌های منطقه‌ای به دلیل محدودیت فضایی آن و همگرایی و نزدیکی دولت‌های عضو آن به چشم می‌خورد و اتحادیه اروپا برای ارتقاء بازارهای رقابتی، گام مهمی از زمان انعقاد معاهده جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۷ برداشته است زیرا اقتصاد اروپا سطوح بالایی از کنترل دولت، کارتل‌های حقوقی و سیاست‌های حمایت‌گرایانه را تجربه کرده است و هم‌اکنون داعیه جامعه اروپا در بازار، ایجاد سیاست اقتصادی جامعه بر طبق اصل اقتصاد بازار آزاد به همراه رقابت آزاد است (Monti, 2007: 1-2).^۲

حقوق رقابت موجود در جامعه اروپا سه ارزش رقابت (حفظ آزادی اقتصادی)، یکپارچگی بازار داخلی و کارآمدی اقتصاد (افزایش رفاه مصرف کننده) را ارتقاء می‌دهد (Monti, op.cit: 20). به این ترتیب اتحادیه اروپا با تدوین حقوق رقابت، سهم خود را در ارتقای رقابت و تجارت آزاد ایفا کرده است. این اتحادیه در اواخر دهه ۶۰ نقش مهمی در

1. See: The Treaty on the Functioning of the European Union, 2012, Official Journal of the European Union, C326/47 at: <http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:C:2012:326:0047:0200:EN:PDF>

۲. در اقتصاد بازار آزاد، خواست و تقاضای مصرف کننده تعیین کننده است و این مصرف کننده است و نه دولت که کالاها و خدماتی که باید تولید شوند را تعیین می‌کنند. هدف حقوق رقابت، محکوم نمودن رفتار ضد رقابتی است. بند ۱ ماده ۳ معاهده جامعه اروپا مقرر می‌دارد که جامعه باید متضمن ساز و کاری باشد که به موجب آن رقابت در بازار داخلی تضمین گردد و به این ترتیب شرکت‌ها را از ورود به موافقتنامه‌های محدودکننده منع می‌کند (Lane, op.cit: 6-7).

جامعه جهانی رقابت، آغاز کرد و رقابت را از طریق موافقتنامه‌های تجارت آزاد با اکثر شرکای تجاری خود گسترش می‌دهد، این موافقتنامه‌ها شریک را ملزم می‌سازد که حقوق جامعه اروپا را بر محدودیت‌ها در منطقه تجارت آزاد اعمال کند و دولت‌هایی را که متقاضی عضویت در اتحادیه اروپا هستند ملزم می‌کند قوانین داخلی خود را اصلاح کنند تا به حقوق رقابت اروپا نزدیک شوند (لوفلد ۱۳۹۰: ۴۴۰). معاهده اتحادیه اروپا کلیه توافقات و اقداماتی که دارای آثار سوء بر تجارت بین دولت‌های عضو است و اقداماتی که با هدف ممانعت یا تخریب رقابت در اتحادیه اروپا اتخاذ می‌شوند، را ممنوع اعلام کرده است. بدیهی است که اتحادیه اروپا با چنین ساز و کاری در صدد عدم ایجاد موقعیت انحصاری در یک بازار خاص است زیرا چنین امری دارای آثار سوء بر تجارت بین دولت‌های عضو است (شکوهی، پیشین: ۷-۸).^۱

همچنین سوءاستفاده از موقعیت انحصاری منع شده است با این توضیح که انحصار مبین وضعیتی است که در آن یک شریک تجاری از رقابت مؤثر با رقبای خود فاصله می‌گیرد و به‌طور مستقل از رقبای خود عمل می‌کند و از آنها پیشی می‌گیرد (137: Lane, op.cit.). زمانی می‌توان گفت وضعیت انحصاری به وجود آمده که علاوه بر این که طرف تجاری از سهم بیشتری در بازار برخوردار است، چنین سهمی برای مدتی در اختیار دارنده آن بوده باشد و از امکان آزادی عمل برخوردار باشد. مواردی همچون تحمیل قیمت‌های غیرمنصفانه در خرید یا فروش، محدود کردن میزان تولید، ایجاد تبعیض میان مشتریان از مصادیق سوء استفاده از موقعیت انحصاری است؛ البته این موارد محصور نمی‌باشند. دیوان اروپایی دادگستری در آرای خود هر فعالیتی را که با هدف بدست آوردن وضعیت انحصاری باشد، در زمره این مصادیق قرار داده است (شکوهی، پیشین: ۸-۴۱). شایان ذکر است حقوق رقابت مانع شکل‌گیری و گسترش همکاری میان

۱. بند ۱ ماده ۱۰۱ معاهده کارکردی اتحادیه اروپا (ماده ۸۱ سابق معاهده جامعه اروپا) توافقاتی مخرب در رقابت در اتحادیه را مشخص کرده است: «الف- توافقی‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم قیمت‌های خرید یا فروش یا هرگونه شرایط دیگر تجاری را قطعی نمایند؛ ب- توافقی‌هایی که تولید محصولات، عرضه آنها در بازار و فن‌آوری یا افزایش سرمایه‌گذاری را محدود یا کنترل نمایند؛ ج- توافقی‌هایی که منجر به مشارکت در سهام بازارها یا منابع عرضه کالا شوند؛ د- توافقی‌هایی که نسبت به معاملات مشابه با طرف‌های دیگر تجاری شرایط غیر مشابهی را اجرا نموده و از این طریق آنان را در شرایط نامساعد رقابتی قرار دهند؛ و ه- توافقی‌هایی که انعقاد قرارداد را مشروط به قبول تعهدات تکمیلی توسط طرف دیگر نمایند، در حالی که این تعهدات به لحاظ ماهیت خود یا بنابر کاربرد تجاری، هیچ‌گونه ارتباطی با موضوع این‌گونه قراردادها نداشته باشند (Lane, op.cit.: 51-5).

شرکت‌ها نظیر ادغام نمی‌شود (Monti, 2007: 22). مضاف بر آن مواد ۱۰۷ و ۱۰۹ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا، موضوع کمک‌های دولتی را به عنوان یکی از موارد موثر در بازار رقابت مورد توجه قرار داده و موارد مجاز اعطای کمک‌های دولتی را مشخص کرده است. اعطای کمک‌های دولتی باید با هدف ایجاد بازار مشترک واحد و ارتقاء رقابت آزاد میان شرکای تجاری باشد.^۱

اتحادیه اروپا همچنین برای تحقق مقررات راجع به رقابت آزاد، ساز و کار اجرایی مؤثری در خصوص شکایات مربوط به سیاست رقابتی اتحادیه اروپا تعبیه کرده است. دیوان اروپایی دادگستری در مقام نظارت بر مطابقت اقدامات دولت‌های عضو با مقررات رقابتی اظهار نظر می‌کند. همچنین قبل از اقامه دعوی در دادگاه بدوی اروپایی و تجدیدنظرخواهی در دیوان اروپایی دادگستری، موضوع تحت بررسی کمیسیون اتحادیه اروپا قرار می‌گیرد و امکان طرح موضوع در مراجع ملی وجود دارد. (Danov, 2012: 28)^۲ نظارت کمیسیون در حوزه حقوق رقابتی به دو طریق قابل حصول است اول این‌که کمیسیون باید در خصوص امکان صدور گواهی عدم مغایرت یا مشمول معافیت و استثناء شدن اظهار نظر کند و دوم این‌که توجه کمیسیون به نقض بارز مواد و مقررات مربوط به حقوق رقابتی جلب شود که در این صورت تحقیق و بررسی آغاز خواهد کرد (شکوهی، پیشین: ۶۹). دستاوردهای مثبت بلوک‌های تجاری منطقه‌ای در ارتقاء رقابت آزاد با نقش مثبت آنها در رفع یا کاهش موانع تجارت همراه است که میزان این نقش در قسمت بعد بررسی می‌شود.

۱. به‌عنوان مثال کمک با ماهیت اجتماعی که به مصرف‌کننده‌های فردی مشروط بر این‌که چنین کمکی بدون تبعیض نسبت به اصل محصولات مربوط باشد، مجاز است. The Treaty on the Functioning of the European Union, 2010.

۲. «کمیسیون می‌تواند جریمه‌های سنگینی، تا ۱۰ درصد کل گردش تجاری بنگاه در سطح جهان، وضع کند». حبیبی مجنده، محمد، پیشین، صص ۴-۴۷۳. لازم به ذکر است مقرر شماره ۲۰۰۳/۱ شورای اروپا در ماده ۱۵ و ۱۶ خود در صدد تضمین یکپارچگی و سازگاری اجرای حقوق رقابت اتحادیه اروپا در فرآیند رسیدگی‌های نزد کمیسیون و حقوق رقابت فرامرزی اتحادیه اروپا در فرآیند رسیدگی‌های نزد محاکم دول عضو است (Danov, 2012: 28).

البته تصمیم مراجع صالح دولت عضو در دعاوی مربوط به نقض مواد ۱۰۱ و ۱۰۲ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا باید در چارچوب معاهده بروکسل باشد و احکام صادره در دول عضو در خصوص موضوعات بازرگانی از طریق مراجع اداری باید در هر یک از دول عضو دیگر شناسایی و اجرا شود (Ibid: 52).

۲-۳. رفع یا کاهش موانع تجارت

بهره‌بری بیشتر اقتصادی و تسهیل همکاری اقتصادی، انگیزه اصلی دولت‌ها در شکل‌گیری ترتیبات تجاری با دایره شمول محدود می‌باشد و گسترش هر چه بیشتر ثروت مانند توزیع عادلانه منابع، از اهداف اعلام شده، است. این مسئله به تلاش‌هایی در سطح یکپارچگی منطقه‌ای همچون گاهی اوقات به همکاری درون منطقه‌ای منجر شده است (Schereuer, op.cit:487). بدیهی است همکاری و رابطه اقتصادی نزدیک در پرتو حذف و رفع موانع تجارت قابل تحقق است. دبیر کل سابق سازمان ملل در طرح توسعه ۱۹۹۴ خود، هر کشور و منطقه را مسئول اولیه اقتصاد خود دانست البته در این میان بر کمک خارجی و همکاری بین‌المللی نیز توجه داشته است (Danov, op.cit:488).^۱ رفع موانع تجارت از جمله موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای از اهداف نظام تجارت جهانی است. به موجب نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، وضع عوارض گمرکی در حقیقت منع نشده است بلکه دولت‌های عضو برای حصول توافق در خصوص کاهش‌های تدریجی تعرفه‌های گمرکی به صورت متقابل دعوت به مذاکره شده‌اند. این مذاکرات در نهایت به امتیازات یا تعهدات تعرفه‌ای منجر می‌شود که در برنامه امتیازات دولت‌های عضو مقرر خواهد شد و به این ترتیب عوارض گمرکی نباید از حداکثر سطح عوارض مورد توافق تجاوز کند (نیکبخت، پیشین: ۸۱).^۲ موانع غیرتعرفه‌ای، فقدان شفافیت مقررات تجارت داخلی از جمله موانع تجارت بین‌المللی می‌باشند؛ چنین عدم قطعیتی در خصوص قواعد

۱. همکاری اقتصادی منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه به عنوان وسیله پیشرفت اغلب تحت عنوان خوداتکایی جمعی مورد حمایت واقع شده است. لازم به ذکر است یکپارچگی منطقه‌ای، زمانی به طور مؤثر ظاهر می‌شود که کشورهای توسعه یافته نیز در مناطق حضور و مشارکت فعال داشته باشند. زیرا همکاری منطقه‌ای در حوزه اقتصادی صرفاً زمانی نوید بخش است که منابع لازم در داخل منطقه یافت شود. به‌عنوان مثال همکاری میان کشورهای فقیر در یک منطقه نمی‌تواند دستاورد مثبتی در راستای ارتقای تجارت آزاد و روابط اقتصادی نزدیک داشته باشد. (Ibid:488).

۲. هر چند عوارض گمرکی در اصل ممنوع نشده است محدودیت‌های کمی بر تجارت در کالاها به‌عنوان قاعده کلی ممنوع است. اعضای سازمان جهانی تجارت نباید واردات و صادرات کالاها را منع کنند یا آن‌ها را منوط به سهمیه کنند. لازم به ذکر است در خصوص تجارت در خدمات محدودیت‌های کمی در اصل ممنوع هستند (نیکبخت، پیشین: ۸۱). به موجب ماده ۲ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، هر دولت عضو متعهد می‌گردد که حداکثر منافع تعرفه‌ای که برای هر محصولی در جدول تعرفه آن کشور مشخص شده است برای دیگر دولت‌های عضو لحاظ کند. هر کشور عضو، جداول تعرفه‌ای خاص خود را دارد. این جدول مبین یک حداکثر نرخ عوارض برای هر محصولی است البته میزان عوارض وضع شده ممکن است کمتر از میزان حداکثر و منوط به اعمال شرط ملل کامله‌الوداد باشد.

قابل اعمال، دارای آثار منفی بر تجارت است. به این ترتیب اعمال و اجرای عادلانه مقررات تجارت، بخشی از قواعد مبنایی درخصوص دسترسی به بازار است. (همان: ۸-۹۷).^۱ موانع غیر تعرفه‌ای بر تجارت، شامل مقررات و استانداردهای فنی، بهداشت و اقدامات بهداشتی، مقررات گمرکی و رویه‌های خرید دولتی برای بسیاری از تولیدات و در بسیاری از کشورها، بیش از محدودیت‌های کمی و عوارض گمرکی بر تجارت تاثیر منفی می‌گذارد. (Peter Van, op.cit: 42).

کاهش تعرفه‌ها در افزایش سطح تجارت و وابستگی متقابل اقتصادی نقش مهمی ایفا می‌کند. تعرفه‌های گمرکی از طریق کاهش تدریجی قابل حذف می‌باشند. چنین امری در قالب اشکال مختلف همکاری منطقه‌ای نظیر اتحادیه گمرکی، منطقه آزاد تجاری و بازار مشترک از طریق توافق بر سر تعرفه گمرکی مشترک و سپس حذف آن سهل‌الوصول‌تر است. چنین کاهش تدریجی امکان سازگاری تولیدکنندگان دولت‌های عضو اتحادیه با زیان ناشی از تعرفه‌های حمایتی را فراهم می‌کند. البته با توجه به این که در یک منطقه آزاد تجاری، هر یک از دولت‌های عضو، تعرفه خارجی خود را تعیین می‌کند، صرفاً کالاهای تولید شده در یک دولت عضو را می‌توان بدون پرداخت حقوق گمرکی، از یک کشور عضو به دیگر کشور عضو وارد کرد منوط به این که گواهی مبدا، ضمیمه کالاها باشد (Hoffman, op.cit:68).^۲ هدف ایجادکنندگان اتحادیه گمرکی یا منطقه آزاد، برقراری رقابت آزاد و منصفانه است. بنابراین حذف تعرفه‌ها در میان سایر لوازم از جمله وضع قواعد علیه اقدامات محدودکننده، سوء استفاده از موقعیت برتر، موانع تجاری مخفی، یارانه‌های دولتی و انحصارات، نقش مهمی در تحقق هدف مذکور ایفا می‌کنند. با نگاهی خوش‌بینانه در خواهیم یافت که گردش آزاد کالاها، خدمات و سرمایه در جامعه اقتصادی اروپا ارتقاء یافته است (هوهن فلدرن، پیشین: ۱۸۸). تردیدی نیست، ترتیبات

۱. موانع غیر تعرفه‌ای در تجارت خارجی بیشتر در شکل قواعد و مقررات قانونی داخلی و آیین و روش مربوط به صادرات و واردات نمود می‌یابد. در همین راستا دولت‌ها به منظور حفظ کالاهای داخلی در رقابت با کالاهای خارجی به مقررات داخلی به‌عنوان روش تبعیض در مقابل کالاهای وارداتی استناد می‌کنند. اتخاذ مطلوب‌ترین رفتار تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای به‌موجب مواد ۱ و ۲ توافقنامه عمومی پیش‌بینی شده است (نیکبخت، پیشین: ۸-۹۷).

۲. به این ترتیب آزادی عمل دولت‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است و کشورهایی که می‌خواهند در تعیین تعرفه خارجی خود آزاد باشند از رویکرد منطقه آزاد تجاری استقبال کرده‌اند. نفتا نمونه‌ای از این موارد است. هوهن فلدرن، پیشین، صص ۸-۱۸۷. البته از طریق بازار مشترک نیز مناطقی نظیر اروپا در صدد منع تبعیض جریان رقابتی آزاد کالاها و خدمات در میان دولت‌های عضو است و حذف عوارض وارداتی و صادراتی در محدوده اروپا هدف جامعه اروپا می‌باشد (Hoffman, op.cit:68).

تجاری منطقه‌ای باید در صدد افزایش، ارتقای تجارت و رفاه جهانی باشند و نباید سبب انحراف و تغییر تجارت از مسیر واقعی آن شوند (Wechter, op.cit:620).^۱ بررسی برخی از ترتیبات تجاری منطقه‌ای در سطح اروپا و آمریکای شمالی بیانگر اقدامات مثبت قانونی و عملی در جهت رفع یا کاهش موانع تجارت است. به‌عنوان نمونه ماده ۱۳۳ اصلاحی معاهده آمستردام، سیاست تجاری مشترک را بر اصول متحدالشکل به‌ویژه در خصوص تغییرات نرخ تعرفه، وضع تعرفه و موافقتنامه‌های تجاری، دستیابی به اقدامات یکپارچه آزادسازی، سیاست صادرات و اقدامات حمایت از تجارت نظیر آن مواردی که در مواقع دامپینگ یا یارانه‌ها اتخاذ می‌شود، مبتنی کرده است (Cremona, op.cit:7). به لحاظ عملی نیز حذف موانع تجاری به حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی تسری یافته است (Fernandez, op.cit:216). به این ترتیب بلوک‌های تجاری منطقه‌ای شیوه مفیدی برای کاهش تعرفه‌های گمرکی و موانع تجاری به ویژه میان کشورهای می‌باشند که تمایل ندارند امتیازات تجاری را در محدوده وسیعی از دولت‌ها قایل شوند (Joseph, op.cit:168).^۲ به عنوان نمونه نفتا بر ممنوعیت اعمال محدودیت‌های صادرات و واردات توافق کردند. با این حال امکان وضع محدودیت‌های خاص نظیر محدودیت‌های مربوط به بهداشت، ایمنی و رفاه برای هر دولت عضو وجود دارد. اعضای موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی حرکت خود را از کاهش تدریجی تعرفه‌ها تا حذف کامل پیش برده‌اند (Dean, op.cit:5-7).^۳

۳-۳. افزایش سرمایه‌گذاری

ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تشویق سرمایه‌گذاری داخلی از نتایج موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای ذکر شده با این توضیح که جریان سرمایه میان دولت‌ها

۱. البته عوامل متعددی تحقق چنین خواستی را تحت تأثیر قرار می‌دهد از جمله آن عوامل جریان‌های تجاری آغازین میان طرفین، سطح محدودیت‌های تجاری قبل و بعد از اجرای موافقتنامه و سطح توسعه صنعتی اعضا است (Wechter, op.cit.:620).

۲. عدم موفقیت راه‌حل‌های کاهش تعرف گات در حل موانع غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه‌های واردات نیز از عوامل قوت بخش ترتیبات منطقه‌ای تجاری است (Joseph, op.cit:168).

۳. در ساز و کار مبدا، تغییر هر گونه تعرفه و قواعد ارزش محتوا در نفتا به کار گرفته شده است. قواعد تغییر تعرفه مستلزم این است که تمام کالاهای یاد شده از خارج از سرزمین‌های دولت‌های عضو، تعرفه متفاوتی از محصول نهایی دارند و به موجب قواعد ارزش محتوا یک درصدی از ارزش کالا باید از امریکای شمالی باشد. در این صورت برخی کالاها به این خاطر که شرط تغییر تعرفه را ندارند موضوع قاعده محتوای ارزش قرار می‌گیرند. (Ibid: 58).

در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته و اعطای وام به کشورهای در حال توسعه برای کمک به توسعه آنها افزایش یافته است (Fernandez, op.cit:202). شکست تلاش‌های بین‌المللی در سال ۱۹۹۸ برای پذیرش موافقتنامه چند جانبه در چارچوب سازمانی برای همکاری اقتصادی توسعه و در هم شکستن تلاشهای مشابه در سال ۲۰۰۳ برای انعقاد پیمان سرمایه‌گذاری در دور دوحه مربوط به مذاکرات سازمان تجارت جهانی از جمله عواملی هستند که سبب تقویت موضوع سرمایه‌گذاری خارجی در قالب ترتیبات و موافقتنامه‌های یکپارچه منطقه‌ای است. چنین موافقتنامه‌هایی، سرمایه‌گذاری میان دولت‌های عضو را تشویق می‌کنند و حمایت‌هایی اجرایی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی ارائه می‌کنند (Gordonon, op.cit:1119).^۱ به عنوان نمونه بعد از انعقاد موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی، سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا در کانادا افزایش یافت (Sehgal, op.cit:31).^۲ ترتیبات منطقه‌ای عاملی برای تقویت و افزایش انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در دولت‌های عضو منطقه است. به عنوان مثال اتحادیه گمرکی که مبتنی بر سیاست بازار واحد از طریق اعمال تعرفه مشترک است، سبب می‌شود که سرمایه‌گذار خارجی به دلیل وجود چنین سیاستی و با انگیزه تجارت آزاد با دیگر دولت‌های عضو اتحادیه در یکی از دولت‌های عضو اتحادیه، سرمایه‌گذاری کند (Fernandez, op.cit:202).

۳-۴. سایر دستاوردهای بلوک‌های تجاری منطقه‌ای

یکی از امتیازات دیگر وجود چنین ترتیبات و یکپارچگی منطقه‌ای، ارتقای تجارت جهانی و کمک به بهبود حکمرانی جهانی و شفافیت است. تسهیل مذاکره و کاهش هزینه‌های آن به دلیل شمار محدود شرکت‌کنندگان از دستاوردهای دیگر منطقه‌گرایی اقتصادی است. این گونه است که حصول توافق در حوزه‌های مختلف تجارت با هدف رفع یا کاهش

۱. باوجود این سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری میان کشورها تنظیم می‌شوند. بیش از ۲۰ هزار معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه در طول بیست سال گذشته امضا شده است. این معاهدات ۴۳ درصد از تمام سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جهانی را تحت کنترل دارند. دول عضو معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه معمولاً شرط ملل کامله‌الوداد را در قبال یکدیگر تضمین می‌کنند و نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی رفتار ملی را اعمال می‌کنند. شرایط پرداخت گرامت برای مصادره را وضع می‌کنند و مرجعی برای حل اختلاف پیش‌بینی می‌کنند و سرمایه‌گذاران حق استناد به داوری الزام‌آور نزد رکن بین‌المللی دارند (Gordonon, op.cit:1119).

۲. این سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۹۴، ۲ میلیون دلار بود که در سال ۲۰۰۰ یعنی چند سال بعد از لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه به ۱۶ میلیون دلار افزایش یافت (Sehgal, op.cit:312).

موانع تجارت تسهیل می‌شود. این امکان حتی در حوزه‌هایی نظیر سیاست مالی و سرمایه‌گذاری که مذاکره چندجانبه راجع به آن سخت می‌باشد، فراهم می‌شود (Brummer, op.cit:2007). ایجاد اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجاری آزاد در بردارنده اهداف وسیعی نظیر خرید دولتی، رقابتی، همکاری علمی و فنی، سیاست‌های رقابت مشترک و یکپارچگی مالی و پولی است (Ibid:1362). چنین یکپارچگی به زعم مدافعان سبب تقویت چندجانبه‌گرایی و بهبود حکمرانی جهانی است. با این تعبیر که ترتیبات منطقه‌ای بیانگر سناریویی است که در آن جهان به تدریج از ساختار دولت-ملت به شبکه‌ای از گروه‌های متشکل از کشورهایی که با هم همکاری متقابل دارند، تغییر جهت می‌دهند (Viterbo, op.cit: 140).^۱

البته موافقان ترتیبات تجاری منطقه‌ای معتقدند که چنین ترتیباتی به تنهایی کافی نیست و باید این‌گونه ترتیبات، فعالیت‌های خود را در کنار نظام تجاری جهانی به سرانجام برسانند (Wechter, op.cit: 2627). در عمل نیز مناطقی یافت می‌شوند که به رغم تمرکز همکاری اقتصادی در منطقه در راستای اهداف سازمان تجارت جهانی حرکت کرده‌اند به عنوان نمونه اتحادیه اروپا حدود تعرفه‌ای تعیین شده از سوی سازمان تجارت جهانی در خصوص محصولات کشاورزی را رعایت می‌کند و خود را به تسهیل دسترسی به بازار از طریق رعایت سهمیه‌های تعرفه‌ای برخی محصولات خاص متعهد می‌داند و ارزش و میزان حمایت‌های خود از جمله اعطای یارانه برای صادرات را کاهش داده است (شکوهی، پیشین: ۱۲۵).^۲ همچنین اتحادیه اروپا کلیه تعرفه‌هایی که در ارتباط با سایر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی با استناد به اصل ملل کامله الوداد اعمال می‌کند را به سازمان تجارت جهانی اطلاع می‌دهد. (همان: ۱۲۶). به اعتقاد برخی، شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای سنگ بنای مهمی در جهت آزادسازی تجارت در سطح جهانی و سطح منطقه است (Garnaut and Vines, op.cit:514).^۳

۱. هر چند برخی نیز از آثار ظهور کثرت‌گرایی در نظام بین‌المللی نوپا بیم دارند و نظارت سازمان بین‌المللی جهانی را لازم می‌دانند (Viterbo, op.cit: 140).

۲. به‌عنوان نمونه مطابق برنامه زمان‌بندی مورد توافق با سازمان جهانی تجارت نظام سهمیه‌بندی تجارت منسوجات و پوشاک باید تا آخر سال ۲۰۰۴ حذف می‌شد که اتحادیه اروپا به سهم خود در این راستا گام مؤثری برداشته است (شکوهی، پیشین، ۱۲۵).

۳. به‌عنوان نمونه موافقتنامه تجارت آزاد امریکای شمالی موانع تعرفه‌ای را که تجارت میان ایالات متحده آمریکا و مکزیک را تحت تأثیر قرار می‌داد، حذف کرد و این‌گونه در رشد اقتصادی مکزیک نقش داشت. تمام تعرفه‌های کشاورزی میان این دو کشور حذف شده است و بیشتر از نصف ارزش تجارت کشاورزی -

ترتیبات منطقه‌ای دارای سازوکاری می‌باشند که می‌توانند در برابر تغییر انگیزه، زمان ایجاد تعهد و زمان رعایت و حفظ تعهد مقابله کنند و این‌گونه سبب ثبات اقتصادی و مبادلات تجاری گردد و دولت‌ها نتوانند به بهانه تغییر انگیزه خود یا ضعیف شدن انگیزه خود در طول زمان به راحتی تعهدات خود را نادیده انگارند (Fernandez, op.cit:203).^۱ وضعیت ناسازگاری زمانی در جایی نمود می‌یابد که یک دولت نتواند به‌عنوان نمونه از طریق تنظیم قواعد معتبر و اقدامات لازم به سیاست تجاری خاص پایبند و وفادار بماند (Ibid:203). به عنوان نمونه یک دولت ممکن است حمایت و یارانه‌ها را صرفاً در یک زمان خاص در بخش‌های محدودی تسری دهد اما مصالح اقتصادی آن ایجاب نمی‌کند در طول یک زمان طولانی نیز این سیاست را ادامه دهد. در این صورت، موافقتنامه تجاری منطقه‌ای با دایره شمول محدود، موارد جزئی را پیش‌بینی می‌کند و مانع انحراف از میزان آزادسازی تجاری مورد توافق می‌شود و متضمن ضمانت اجرایی مؤثر از جمله خروج از موافقتنامه یا مجازات کشور خاطی است و این‌گونه با انگیزه‌های کوچک که ممکن است به تخریب اقتصاد در کل منجر شود، مقابله می‌کند (Ibid: 204).^۲

موافقتنامه تجاری منطقه‌ای متضمن شرایطی می‌باشند که دولت‌ها با علم به اولویت مفاد آن به آن ملحق خواهند شد و در واقع مسیر راه خود را از ابتدا مشخص می‌کنند تا نوع سیاست تجاری دولت‌های عضو برای ناظران بیرونی روشن گردد. به‌عنوان نمونه با اتخاذ سیاست لیبرال‌گونه یا حمایت‌گرایانه، سرمایه‌گذاران خارجی امکان ارزیابی شرایط خود را با شرایط دولت‌های عضو می‌یابند یا موافقتنامه تجاری منطقه‌ای از طریق اعلام رقابتی بودن بخش تولید دولت‌های عضو، سرمایه‌گذاران خارجی را به سرمایه‌گذاری ترغیب می‌کنند (Ibid:208). همچنین ترتیبات تجاری منطقه‌ای می‌توانند زمینه هماهنگی دولت‌های عضو در مقابل کشورهای ثالث در عرصه‌های مختلف اقتصادی در حوزه بین‌المللی و قدرت چانه‌زنی آنها را افزایش دهند (Ibid: 211-2). یکی دیگر از نکات مثبت وجود ترتیبات منطقه‌ای این است که آنها می‌توانند در جهت ارتقای همکاری اقتصادی بین‌المللی مبنای محکی برای سیاست‌های بین‌المللی در حوزه‌های جدید

بدون تعرفه گمرکی از زمان لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه مذکور انجام می‌شود. همچنین تجارت میان کانادا و مکزیک نیز رشد فرآیندهای داشته است (Sehgal, op.cit:310-12).

1. Time Incinsistency

۲. چنین فرآیند مقابله در چارچوب سازمان جهانی به دلیل گسترش محدوده و دایره شمول، کندتر و نتیجه آن نامشخص‌تر است (Ibid: 205).

باشند. به‌عنوان مثال سیاست رقابت موجود در اتحادیه اروپا بعد از آزمون و خطا به‌عنوان الگو به عرصه بین‌المللی و جهانی تسری یافت (Doxfret, op.cit: 931).

نتیجه‌گیری

منطقه‌گرایی در حوزه همکاری اقتصادی همگام با نظم تجاری جهانی براساس تئوری‌های اقتصاد بازار آزاد، زمینه حذف و کاهش موانع تجارت و ایجاد بازارهای بزرگ از طریق موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای را با امید به رشد اقتصادی دولت‌های عضو یک منطقه فراهم نمود. اختلاف سیاست‌های اقتصادی دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی سبب گردید توافق بر سر کاهش جهانی موانع تجاری در حوزه منطقه‌ای با عضویت دولت‌های محدود، سهل‌تر از حوزه جهانی با عضویت تعداد زیاد دولت‌ها صورت پذیرد. کاستی نظم تجارت جهانی در ایجاد چارچوب موثر برای روابط تجاری پیچیده امروزه، عدم وجود سازمان بین‌المللی مشخص برای آزادسازی بازار، عدم دستیابی به موافقتنامه جهانی سرمایه‌گذاری عواملی هستند که گسترش ترتیبات منطقه‌ای در حوزه اقتصادی را توجیه می‌کنند. ورود کشورها در یکی از بلوک‌های تجاری منطقه‌ای، توافق بر سر کاهش جهانی موانع تجاری را تسهیل خواهد کرد زیرا این امر در حوزه منطقه‌ای با عضویت دولت‌های محدود امکان‌پذیرتر از حوزه جهانی به‌عنوان نمونه از طریق گات با عضویت تعداد زیاد دولت‌ها خواهد بود.

رویکرد منطقه‌ای، می‌تواند بستری برای ارزیابی و گاهی اوقات اصطکاک (تعامل و تقابل) با نظام حقوقی تجارت جهانی را موجب شود. گسترش صلاحیت دادگاه‌های منطقه‌ای، بحث اولویت و ترجیح مقررات نظام‌های منطقه‌ای تجارت، امکان تضعیف اصل عدم تبعیض و محدود شدن دایره تجارت میان دولت‌های عضو یک منطقه از جمله مواردی است که امکان تقابل نظم تجاری منطقه‌ای با جهانی را فراهم می‌کند با این حال نقش بلوک‌های تجاری منطقه‌ای در ارتقاء تجارت آزاد، رقابت سالم، رفع یا کاهش تدریجی موانع تجاری و تشویق سرمایه‌گذاری قابل انکار نمی‌باشد.

بهره‌بری بیشتر اقتصادی و تسهیل همکاری اقتصادی به‌رغم اختلاف نظام‌های سیاسی انگیزه اصلی دولت‌ها در شکل‌گیری ترتیبات تجاری با دایره شمول محدود می‌باشد. باوجود این، یکپارچگی منطقه‌ای، زمانی به‌طور موثر ظاهر می‌شود که کشورهای توسعه یافته نیز در مناطق حضور و مشارکت فعال داشته باشند. زیرا همکاری منطقه‌ای در حوزه اقتصادی زمانی نوید بخش است که منابع لازم در داخل منطقه یافت



نقش منطقه‌گرایی
اقتصادی در ارتقاء اصول
و مبانی تجارت جهانی:
ارزیابی عملکرد اتحادیه
اروپا و موافقتنامه تجارت
آزاد امریکای شمالی

شود. بدیهی است همکاری کشورهای فقیر در یک منطقه نمی‌تواند دستاورد مثبتی در راستای ارتقای تجارت آزاد و روابط اقتصادی نزدیک داشته باشد.

منابع فارسی

کتاب‌ها:

- خالوزاده، سعید (۱۳۸۳)، **اتحادیه اروپایی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).
- شکوهی، مجید (۱۳۸۱)، **حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا**، تهران: میزان.
- شکوهی، مجید (۱۳۸۱)، **حقوق رقابت بازرگانی در اتحادیه اروپا**، تهران: میزان.
- لوفلد (۱۳۹۰) **آندریاس اف، حقوق بین‌الملل اقتصادی**، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، تهران: جنگل، جاودانه.
- وبر، آلبرشت (۱۳۷۰)، **سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی**، ترجمه طهماسب محتشم دولت‌شاهی، تهران: انتشارات چاپار فرزندگان، چاپ اول.
- هومن فلدرن آیگناتس زایدل (۱۳۸۵)، **حقوق بین‌الملل اقتصادی**، ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

مقالات:

- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۲)، «نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی»، **مجله تحقیقات حقوقی**، (۳۷).

منابع لاتین

کتاب‌ها:

- Abbott, Frederickm (2000), "The North American Integration Regime and its Implication for the World Trading System" in: Wwiler, J.H.H, *The EU, the WTO and the NAFTA: Towards a Common Law of International Trad?*, Oxford University Press.
- Hix, Jan-Peter (2013), *Indirect Effect of International Agreements: Consistent Interpretation and other Forms of Judicial Accommodation of WTO Law by the EU Courts and the US Courts*, New York University School of Law New York, NY 10011, USA.
- Lane, Robert (2007), *EC Competition Law*, Longman.
- Monti, Giorgio (2007), *EC Competition Law*, Cambridge University Press.
- Peter Van, den bossche (2005), *The Law and Policy of the World Trade Organization*, Cambridge University Press, New York.



مقالات:

- Alexanno, Alborto (2004), "Judicial Enforcement of the WTO Hormones Ruling with in the Eropean Community: Toward EC Liability for the Non-Implementation of WTO Dispute Settlement Decisions?" Harvard International Law Journal, Vol.45, Issue.2, Summer.
- Brummer, Chris (2007), "The Ties That Bind? Regionalism, Commercial Treaties, and The Future of Global Economic Integration", Vanderbilt Law Review, Vol.6, No.5, October.
- Baldwin, Richard E (2010), "Implications of European Experiences with Regionalism For Future Economic Integration in Asia" Singapor Economic Review, Vol.55, Issue.01.
- Barral, Welber (2003), "Introductory Note to Mercosur: the Olivos Protocol", International Legal Materials, Vol.42, No.1, January.
- Bartels, Lorand (2007), "The Trade and Development Policy of the European Union", European Journal of International Law, Vol.18, No.4.
- Bronckers, Marco (2005), "The Effect of WTO in European Court Litigation", Texas International Law Journal, Vol.40, Issue.3, Spring.
- Bryan, Elwood Salido in: Grossman, Claudio (1996), "The Evolution of Free trade in the American", University Journal of International Law and Policy, Vol.11, Issue.4.
- Camile, Arikoglu (2011), "Universalism to Regionalism: Europeanization and its Reflections Upon Turkey" Vienna Journal, Vol. 22, September.
- Callmann, Rudolf (1963), "Industrial Property and Trade Regulation in the European Common Market", Virginia Law Review, Vol.49. No.3.
- Dean, C Alexander (1993), "The North American Free Trade Agreement: An Overview", Berkeley Journal of International Law, Vol.11, No.1.
- Diebold, Nicolas (2012), "Standards of Non - Discrimination in International Economic Law", International and Comparative Law Quarterly, Vol.60, Part.4, October.
- Danov, Mihail (2012), "EU Compttion Law Enforcement: Is Brussels I Suited to Dealing with all the Challenges?", International and Comparative Law Quarterly, Vol.61, Part.1, January.
- Fernandez, Raquel and Portes, Jonathan (1998), "Returns to Regionalism: An Analysis of Non traditional Gains From Regional Trade Agreements", The World Bank Economic Review, Vol.12.
- Florin, Bonciu (2006), "European Union and the Challenges of Globalization" Romanian Journal of European Affairs, Vol.6, No.2, July.
- Gordon, Jennifer (2011), "People are not Bananas, How Immigration Differs from Trade", Northwestern University Law Review, Vol.1004, No.1547153, 24 February.
- Gazzini, Tarcisio (2006), "The Legal Nature of WTO Obligations and the Consequences of their Violation", European Journal of International Law, Vol.17, No.4.



نقش منطقه‌گرایی
اقتصادی در ارتقاء اصول
و مبانی تجارت جهانی:
ارزیابی عملکرد اتحادیه
اروپا و موافقتنامه تجارت
آزاد امریکای شمالی

- Garnaut, Ross and Vines, David (2007), "Regional Free-trade Areas: Sorting out the Tangled Spaggett", Oxford Review of Economic Policy, Vol.23, No.3.
- Hoffman, Daniel C (1983), "Treaty Interpretation: the Interpretation of Agreements Between the EEC and Non-Member States", Notre Dame International Law Journal, Vol.1.
- Hirsch, Moshe (2008), "The Sociology of International Economic Law: Sociological Analysis of the Regulation of Regional Agreements in the World Trading System", European Journal of International Law, Vol.19, No.2.
- Joseph, I Brand (2011), "The New World Order of Regional Trading Blocs", Washington College of Law Journal and Law Reviws, Vol.8.
- Lamy, Pascal (2006), "The Place of the WTO and it's Law in the International Legal Order", European Journal of International Law, Vol., 17, No.5.
- Langenhove, Luk Van and Marchesi, Doniele (2008), "The Lisbon Treaty and the Emergence of third Generation Regional Integration", Robert Schuman Paper Series, Vol.8, No.9, June.
- 23.Macleod, Gordon (2001), "New Regionalism Reconsidered: Globalization and the Remaking of Political Economic Space", International Journal of Urban and Regional Research, Vol.25, 4 December.
- Naon Horacio, A Grigera (1996), "Sovereignty and Regionalism", Law and Policy in International Business, Vol.27.
- O'Keefe, Thomas Andrew (1994), "An Analysis of the Mercosur Economic Integration Project from a Legal Perspective", The International Lawyer, Vol.28, No.2,summer.
- Obadia, Eloise (2009), "Introductory Note to NAFTA/ UNCITRAL: Glamis Gold LTD V. United States", International Legal Materials, Vol.48, No.5.
- Pomfret, Richard (2007), "Is Regionalism an Increasing Feature of the World Economy?", Willy Blackwell (World Economy Journal), Vol.30, Issue. 6.
- Princen, Sebastiaan (2004), "EC Compliance with WTO Law: The Interplay of Law and Politics", European Journal of International Law, Vol.15, No.3.
- Sehgal, Sheveta (2010), "The Evolution of NAFTA: an Experience in Regionalism", India Quarterly: a Journal of International Affairs, Vol.66, No.3.
- Voon, Tania (2010), "Eliminating Trade Remedies from the WTO: Lessons from Regional Trade Agreements", International and Comparative Law Quarterly, Vol.59, part, 3, July.
- Voon, Tania (2010), "Eliminating Trade Remedies from the WTO: Lessons from Regional Trade Agreements", International and Comparative Law Quarterly, Vol.59, part. 3, July.

- Wallach, Lori (2000), "Transparency in WTO Dispute Resolution", Law and Policy in International Business, Vol.31, No.3.
- Wechter, Kevin A (1993), "NAFTA: A Complement to GATT or a Set Back to Global Free Trade?", Southern California Law Review, Vol. 66, September.

اسناد:

- Charter of Economic Rights and Duties of States, GA Res.3281 (xxix), UNGAOR, 29th Sess., Supp.No.31, 1974.
- "General Assembly Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations", UN GA, 2625, 24 October, 1970.
- Matter of the US safeguard Action on Broom Corn Brooms from Mexico (USA.97-2008-01) before the Panel established under Chapter Twenty of the North American Free Trade Agreement final Panel Report, 30 Jan, 1998, at: WWW.nafta-sec-alena.org.
- The Treaty on the Functioning of the European Union, 2012, Official Journal of the European Union, C326/47 at: [http://eurlex.europa.eu /LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:C:2012:326:0047:0200:EN:PDF](http://eurlex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:C:2012:326:0047:0200:EN:PDF)
- The Treaty on the Functioning of the European Union, 2010



نقش منطقه‌گرایی
اقتصادی در ارتقاء اصول
و مبانی تجارت جهانی:
ارزیابی عملکرد اتحادیه
اروپا و موافقتنامه تجارت
آزاد امریکای شمالی